

Exposure of religious scholars to the emergence of banks in Iran and its implications through historical research

Abbas Yaghoobzadeh mojarad *

Seyyed Ali Sobhani Sabet **

Received: 2021/09/12

Accepted: 2022/04/13

Abstract

Historical-Economical attention to the Emergence of the banking system in the Qajar period and the Confrontation of religious scholars to this modern phenomenon is one of the most important challenges in the Iranian contemporary history, which in addition to confirming the feasibility of Islamic economic models, is a rich source for historical experience in the field of Islamic banking. This research shows that religious scholars in dealing with the bank emergence, have taken three different approaches according to the time conditions. At a time when contacting with the new technological world had not been spread significantly, religious scholars with complete caution and precision, prevented the bank entrance to Iran with a general ban. But after the staggering influx of modern political-economic structures into the country, religious scholars tried to establish an independent national bank based on adapting the banking system, and secondly, to remove its structure from usury so as not to contradict jurisprudence. But after the activity of relative independence in the banking system, the third approach of religious scholars was to design and model socio-economic structures based on religious orders. While commercial banks have the exclusive right to Endogenous money for certain individuals, at this time, the Islamic economic models made it possible, liquidity should be directly available to the real sector of the economy, firstly, and secondly, all members of society should be able to participate in productive economic activities on the basis of collective cooperation, and the resulting wealth should be distributed fairly among them.

Keywords: Bank emergence, Money Creation, Religious scholars, Islamic economic model, Qajar period

JEL Classification: N25, Z12.

*Scholar of jurisprudence at level 3 of seminary, Qom, Iran.

a.yaghoobzadeh.87@gmail.com

* PHD On Monetary economics, Imam Sadiq university, Tehran, Iran.

alisobhanisabet@gmail.com

مواجهه عالمان دین با پیدایش بانک در ایران و دلالت‌های آن، به روش تحقیق تاریخی

عباس یعقوب زاده مجرد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

سیدعلی سبحانی ثابت**

مقاله جهت اصلاح به مدت ۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

توجه تاریخی-اقتصادی به پیدایش نظام بانکی در دوره قاجار و مواجهه عالمان دین با این پدیده مدرن، یکی از مهمترین نقاط چالشی تاریخ معاصر ایران است که علاوه بر تأیید امکان تحقق الگوهای اقتصاد اسلامی، منبعی غنی برای بررسی تجربه تاریخی بانکداری اسلامی می‌باشد. این تحقیق نشان می‌دهد عالمان دین در مواجهه با پیدایش نظام بانکی، سه رویکرد متفاوت را متناسب با شرایط زمانی خود اتخاذ نموده‌اند. در برهه‌ای که تماس با دنیای تکنیک جدید هنوز عمق اساسی پیدا نکرده بود، عالمان دین با احتیاط و دقت کامل، با سلب و تحریم کلی جلوی ورود بانک به ایران را گرفتند. اما بعد از هجوم سرسام‌آور ساختارهای سیاسی-اقتصادی مدرن به داخل کشور، عالمان دین با رویکرد اخذ و اقتباس، سعی کردند اولاً اقدام به تأسیس بانک مستقل ملی کنند و ثانیاً ساختار آن را از بهره و ربای محرم بردارند تا با قوانین فقهی، مغایر نباشد. اما بعد از جریان استقلال نسبی در نظام بانکی، رویکرد سوم عالمان دین، طراحی و مدل‌سازی ساختارهای اقتصادی-اجتماعی بر اساس دستورات دین بود. درحالی که بانک‌های تجاری دارای حق انحصاری خلق پول درونزا هستند و ثروت خلق شده را در اختیار افراد خاصی قرار می‌دهند؛ الگوهای اقتصادی اسلامی آن دوران، این امکان را فراهم آورد که اولاً نقدپسنگی مستقیماً در اختیار بخش واقعی اقتصاد قرار گیرد و ثانیاً همه آحاد جامعه بر اساس تعاون جمعی بتوانند در فعالیت اقتصادی تولیدی مشارکت کنند و ثروت حاصل از آن به طور عادلانه بین آنان تقسیم گردد.

واژگان کلیدی: پیدایش بانک، خلق پول، عالمان دین، الگوی اقتصاد اسلامی، تاریخ قاجار.

طبقه‌بندی JEL: Z12, N25

* دانش‌پژوه فقه سطح ۳ حوزه علمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

a.yaghoobzadeh.87@gmail.com

** دکترای تخصصی اقتصاد پولی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

alisobhanisabet@gmail.com

مقدمه

مسئله تقویت و جهش تولید ملی یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان عالی کشور خصوصاً در سال‌های اخیر بوده است. در این راستا اصلاح نظام بانکی در جهت تولید ملی و همچنین مدیریت نقدینگی و هدایت آن به سمت اقتصاد تولیدی یکی از مطالبات جدی مقام معظم رهبری می‌باشد. پیشنهاد معظم له در دیدار با اعضای هیات دولت در سال ۱۳۹۷ برای تشکیل کارگروهی دانا، حساس، پرکار، خطر پذیر و شجاع که به طور شبانه‌روزی در این زمینه فعالیت فکری و عملیاتی داشته باشند، نشان‌دهنده اهمیت این مسئله در جهت منافع اقتصادی-سیاسی کشور است.

بدون شک برای تصمیم‌گیری مناسب در خصوص اصلاح نظام بانکی در نقشه‌الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی، مراجعه تاریخی به اقتصاد معاصر ایران و به طور خاص مطالعه تاریخی پیدایش نظام بانکی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا تدوین الگوهای توسعه یا پیشرفت اساساً از الزامات و ضرورت‌های تاریخی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر اگر الگوی جهان شمول و یکسانی برای توسعه و پیشرفت اقتصاد وجود داشت، علی‌القاعده صحبت از الگوهای توسعه یا پیشرفت، خطا و وهم آلود بود و دعوت به تدوین الگویی خاص برای ملتی خاص در زمانی خاص بی‌معنا تلقی می‌شد. فاصله روش‌شناختی ما با روش‌شناسی غالب علم اقتصاد از همین نقطه آغاز می‌شود؛ زیرا روش‌شناسی متعارف علم اقتصاد، فاقد جنبه تاریخی است و در تلاش است به قواعدی جهان شمول برای توسعه اقتصاد دست یابد (شریف زاده، ۱۳۹۲).

مواجهه تاریخی ما با تمدن مدرن غرب از دوره فتحعلی شاه آغاز و در اواخر دوره ناصری و عهد مظفرالدین شاه وارد مرحله جدید خود شد. در این میان، پیدایش بانک‌ها در دوره ناصرالدین شاه یکی از نقاط چالشی تاریخ معاصر ایران است که سرآغاز تحولات ساختاری اقتصادی در داخل کشور گردید.

در این مقاله سعی شده است با روش تاریخی، موضع‌گیری نهاد روحانیت و مرجعیت نسبت به نحوه پیدایش و ورود نظام بانکی به ایران و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن در دوران قاجار مطالعه شود. هرچند ماهیت بانک‌های تجاری و حق انحصاری خلق پول در آن برهه از تاریخ -که اولین مواجهه نخبگان با نظام اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد- برای عالمان دین به خوبی روشن نبوده است؛ اما نحوه تعامل عالمان دین با این پدیده مملو از نشانه‌هایی است که می‌توان ادعا نمود بارقه‌های دوران عبور و گذار از نظام متعارف بانکی از آن زمان پدیدار شده است. بازتولید الگوهای موفق تاریخی آن دوران، با طراحی نهادی متناسب زمان و مکان، می‌تواند راهکارهای مناسبی را برای حل مسائل بانکی امروز به دنبال داشته باشد. مطالعه تاریخی-اقتصادی آن دوران، علاوه بر تأیید امکان تحقق الگوهای اقتصاد اسلامی، منبعی غنی برای بررسی تجربه تاریخی بانکداری اسلامی خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در گذشته، نگارش تاریخ با تأکید بر زندگی سیاسی انجام می‌گرفت و در خلال آن از مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز سخن به میان می‌آمد (شریف زاده، ۱۳۹۲). این امر، پژوهش در خصوص تاریخ بانک در ایران را با دشواری روبه‌رو نموده است. در برخی از منابع تاریخ معاصر، به مسائل اقتصادی دوران قاجار و خصوصاً وضعیت بانک‌ها اشاراتی شده است. کتاب «عصر بی‌خبری» از ابراهیم تیموری (۱۳۳۲)، کتاب «اندیشه ترقی و حکومت قانون» از فریدون آدمیت (۱۳۵۱)، کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» از ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۹۶) و همچنین کتاب «تاریخ اقتصادی ایران» از چارلز عیسوی (۱۳۶۲) از آن جمله می‌باشد. همچنین رساله دخانیه اثر شیخ حسن کربلایی (۱۳۸۲) از بهترین و اصیل‌ترین کتب برای تبیین شرایط اجتماعی-اقتصادی آن دوران است که با چشمانی تیزبین و فکری حساس تحولات جامعه در مسیر تجدد را به خوبی توصیف می‌کند. البته به طور خاص در زمینه تاریخچه بانک در ایران در دوران قاجار پژوهش‌هایی

انجام شده است. از جمله می‌توان به کتاب‌های «تاریخ بانک شاهنشاهی» (۱۳۸۷) و کتاب «تاریخ بانک استقراضی روس در ایران» (۱۳۸۱) از مظفر شاهدهی اشاره نمود. دشواری بیشتر در استفاده از این منابع آن است که در مورد انواع برخورد عالمان دین با پیدایش و توسعه بانک در ایران، داده‌های تاریخی به صورت بسیار پراکنده و در ضمن وقایع مختلف تاریخی اشاره شده است. به عنوان مثال لرد کرزن (۱۳۴۹) که خود از رجال بزرگ سیاسی انگلستان در آن عهد بود، حاصل فعالیت بی‌انقطاع سه ساله و سفر شش ماهه خود به سرزمین ایران را در کتاب «ایران و قضیه ایران» شرح می‌دهد که از مهمترین منابع در مورد تاریخ بازار ایران محسوب می‌شود. هرچند موضع‌گیری عالمان دین نسبت به پیدایش بانک در اولین مواجهه تاریخی علماء با غرب، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است، اما این مسئله، تاکنون به طور مستقل مورد پژوهش جامع قرار نگرفته است.

درآمدی بر روش پژوهش

مکتب تاریخی یکی از مکتب‌های دگراندیش اقتصادی در قرن نوزدهم میلادی است که با انتقاد از آموزه‌های مکتب کلاسیک، تاریخ و بررسی عینی را وسیله تجدید بنای دانش اقتصاد قرار داد. از نظر مکتب تاریخی، علم اقتصاد، «علم قوانین تحول اقتصادی ملل» است و تحول تاریخی اقتصاد هر ملت را نشان می‌دهد. بررسی تاریخی می‌تواند ساختار تطوری اقتصادها را شناسایی کند. بنابراین از جمله مهمترین ویژگی مکتب تاریخی، کاربرد روش تاریخی در تحلیل پدیده‌های اقتصادی می‌باشد (میرجلیلی، ۱۳۸۶).

روش پیشنهادی این مکتب تا حد زیادی بر مشاهده واقعیات و بررسی داده‌ها و اطلاعات اقتصادی تاکید داشت. این گروه از اقتصاددانان در روش‌شناسی خود تنها به داده‌ها و اطلاعات دوره‌های اخیر بسنده نمی‌کردند، بلکه اعتقاد داشتند مسائل و پدیده‌های اقتصادی در بستر زمان شکل می‌گیرند و به همین دلیل مطالعه ابعاد تاریخی هر موضوع می‌تواند به فهم عمیق‌تر از نحوه عملکرد اقتصاد کمک نماید. روش‌شناسی

تاریخی، راه و الگوی یکسانی را برای توسعه اقتصادی نشان نمی‌دهد؛ زیرا اولاً تجربه تاریخی بشر نشان می‌دهد که کشورهای مختلف راه‌های گوناگون و متفاوتی را برای رسیدن به توسعه اقتصادی دنبال کرده‌اند. ثانیاً اقتضائات زمانی - مکانی، الزامات مختلفی را بر سر راه کشورهای مختلف قرار می‌دهد. ثالثاً توسعه، موضوعی صرفاً اقتصادی دیده نمی‌شود، بلکه تاثیر عناصر زبانی و فرهنگی نیز در توسعه مورد بحث و تفحص قرار می‌گیرد (شریف زاده، ۱۳۹۲). در این مقاله سعی شده است از روش تاریخی برای بررسی تطور انواع مواجهه عالمان دین و نحوه تأثیرگذاری آنان نسبت به پیدایش و توسعه بانک در ایران استفاده گردد.

۱- اولین تلاش‌ها برای شکل‌گیری بانک در ایران

در دوران قاجار و قبل از تأسیس بانک، پول کاغذی وجود نداشت، ولی صراف‌ها نقش بسیار زیادی در مناسبات تجاری داخلی شهرها و روابط اقتصادی بین شهری در سطح کشور داشتند. هرچند اندیشه تشکیل بانک تا زمان ناصرالدین شاه مورد توجه نبود، اما می‌توان دوره صدارت سپهسالار را دوره جدید در تحول اقتصادی کشور دانست. آدمیت آن دوران را این‌طور تفسیر می‌کند:

رشد سرمایه خصوصی، رواج نسبی ماشین بخار، ایجاد کمپانی تجارتي، به کار انداختن سرمایه داخلی در فعالیت تولیدی، نمودار آن تحول عمومی است. توجه به سرمایه گذار خارجی جنبه دیگری از اقتصاد آن دوره می‌باشد. تشکیل سرمایه صنعتی خیلی مورد توجه بود و شرط عمده اش ایجاد بانک. اهل تجارت و سرمایه نیز خواهان بانک و تأسیس کمپانی‌های عمومی بودند که سرمایه خود را در صنعت تولیدی به کار اندازند. (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۲۹۹).

از اولین کسانی که به فکر تأسیس بانک افتاد، میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم ناصرالدین شاه و همچنین تاجر معروف و رئیس ضرابخانه، میرزا محمدحسن امین‌الضرب بود. در این راستا کمیسیون بانک اولین بار در زمان صدارت سپهسالار در سال

۱۲۸۹ق برای بررسی پیشنهاد تأسیس بانک تشکیل گردید. ملکم خان از افرادی بود که در کمیسیون به توضیح ماهیت و نظام بانکی پرداخت. ملکم خان معتقد بود ابواب تجارت کالا تا حدی در ایران باز شده است، اما تجارت پول که از همه لازم تر و بی عیب تر است به کلی مسدود می باشد. در حالی که تجارت پول، محرک سایر تجارت ها است و عامل کارهای بزرگ. در نگاه ملکم، بانک سرچشمه ثروت ملل و محرک و احیاکننده تجارت و آبادی مملکت است. (آدمیت، ۱۳۵۱، صص. ۳۰۵-۳۰۳).

طبقه تجار هم از تأسیس بانک حمایت می کردند. میرزا محمدحسن امین الضرب در نامه ای به شاه در سال ۱۲۹۶ق می نویسد:

پیشرفت صنعت و جمع سرمایه، بساط فرنگستان کنونی را ساخته است. و گرنه فرنگستان سابقاً این اوضاع را نداشته اند، با کمال زحمت و مشقت زندگانی می کردند. اما عقلای فرنگ اسباب کار را فراهم آوردند. عمده چیزی که اسباب ترقی فرنگستان شده، برپا کردن بانک است... برپا کردن بانک معتبر هیچ کاری ندارد و در نهایت سهولت و آسانی ممکن است و اعتبار و امنیت از جانب دولت می خواهد (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۳۰۸).

پیشنهاد تأسیس بانک در ابتدا از سوی افرادی مطرح شده بود که تحصیل کرده فرنگ بودند و تحت تأثیر نظام سرمایه داری عصر خود، عامل انباشت سرمایه را شرط لازم برای توسعه اقتصادی می دانستند. این گفتمان از سوی روشنفکران و به خصوص دربار شاه به جامعه تزریق می شد. البته با وجود تلاش های مذکور، طرح تأسیس بانک به مرحله تحقق و اجرا نرسید.

۲- تأسیس بانک شاهنشاهی و پیامدهای اقتصادی آن

در سال ۱۲۸۹ق با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار، پیشنهاد کمپانی های اروپایی برای انعقاد قرارداد جهت تأسیس راه آهن از جنوب به شمال ایران، استخراج معادن، ساختن راه شوسه، ایجاد کارخانه، بانک و غیره مورد پذیرش دولت ایران قرار می گیرد. گراهام

استوری در کتاب رویتر در یک قرن می نویسد: «به موجب این امتیاز به بارون رویتر اجازه داده شد که به تمام منابع اقتصادی ایران و در مدت هفتاد سال حکومت واقعی کند و همچنین این امتیاز بود که دروازه‌های کشور ایران را به روی دنیای غرب گشود!» (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۹۷).

بعد از انعقاد قرارداد ننگین رویتر، مخالفت شدید روس‌ها و عده‌ای از درباریان مخالف سپهسالار و همچنین مخالفت برخی از علماء مثل حاج ملاعلی کنی سبب شد شاه در راه برگشت از اولین سفر اروپایی‌اش، سپهسالار را در انزلی عزل نماید و در تهران امتیاز را لغو گرداند (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۱۲۳). این امر موجب اختلاف رویتر با دولت ایران شد که حدود ۱۷ سال به طول کشید. رویتر در نهایت برای جبران خسارت وارده به دلیل لغو قرارداد، امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی را از دولت ایران دریافت کرد. طی این امتیاز بود که بانک شاهنشاهی در سال ۱۳۰۶ ق تأسیس گردید. مدت امتیازنامه ۶۰ سال بود. بانک کار خود را با یک میلیون لیره آغاز کرد (ناطق، ۱۳۷۱، ص. ۲۶).

به موجب فصل سوم امتیازنامه، حق صدور اسکناس در تمام ایران منحصر به بانک شاهنشاهی بود (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۲۰۶). انتشار اسکناس توسط بانک شاهنشاهی یک منبع درآمد نامشروع را برای انگلستان ایجاد می‌کرد (حسنی، ۱۳۹۰). این بانک با در اختیار داشتن حق انحصاری چاپ اسکناس، صدور حواله و ورود نقره به ایران از یک سو موجب کاهش ارزش پول ایران گردید و از سوی دیگر موجب ورشکستگی صنف صراف شد (تیموری، ۱۳۳۲: ص ۳۴۷). بعد از امتیاز نشر اسکناس، به مرور مسکوکات طلا و نقره از دست مردم جمع آوری گردید (حاج سیاح، ۱۳۵۹، ص. ۵۰۸). دادن حق چاپ اسکناس از طرف پادشاه به یک بانک خارجی جای تأمل و تأسف داشت. زیرا بانک مجری سیاست‌های پولی در یک کشور است و هر تصمیم آن، زندگی تمام افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین اعطای امتیاز فوق در واقع مداخله بیگانگان در امور اقتصادی و سیاسی را بیش از پیش آشکار می‌کند (بافنده ایماندوست، ۱۳۸۹). حتی

به نقل از عین السلطنه در برهه‌هایی در نزدیکی تأسیس بانک ملی فحطی پول در کشور فراگیر شد (شاهدی، ۱۳۸۷، ص. ۴۰۱).

یکی از اقدامات عمده بانک شاهنشاهی پرداخت وام بود. بانک از طریق وام دادن‌های متنوع به دولت ایران، کسب درآمد می‌کرد. در مقابل، بخش مهم از منابع حیاتی ایران به کنترل انگلیسی‌ها در می‌آمد. مجموع بدهی‌های ایران به بانک شاهی در سال ۱۳۲۸ ق به مبلغ ۷۶۰ هزار لییره رسید. ایران برای پرداخت این بدهی‌ها مجبور شد کلیه گمرکات جنوب ایران (بوشهر، بندر لنگه، محمره و اهواز) را بدون هیچ حق برداشتی به بانک شاهی بپردازد.

افزون بر این موارد بانک شاهی از طریق کنترل بر تجارت خارجی و واردات و صادرات کالا از اروپا سود سرشاری به دست می‌آورد و از این راه خدمات ارزنده‌ای به تجارت و صنایع انگلستان ارائه می‌داد - تهیه مواد خام مورد نیاز صنایع انگلستان به قیمت ارزان - به طوری که انبارهای ایران از کالاهای انگلیسی پر بود. حتی برخی کالاهای انگلیسی در ایران ارزان‌تر از خود انگلستان به دست می‌آمد (حسنی، ۱۳۹۰).

۳- تأسیس بانک استقراضی و پیامدهای اقتصادی آن

رقابت شدید روس و انگلیس در مداخله و تصرف سیاسی و اقتصادی هرچه بیشتر در ایران سبب شد که روس‌ها اعتراض شدید خود را در مورد تأسیس بانک شاهنشاهی اعلام دارند و به گونه‌ای درصدد بر آمدند تا با راه اندازی بانک استقراضی در ایران به نوعی مانع پیشرفت بیشتر بانک شاهنشاهی شوند. امین السلطان برای جلب نظر و موافقت روس‌ها، وعده تأسیس یک بانک روسی را به آنان داد. امتیازنامه بانک به یک نفر روسی به نام ژاک پولیاکف اعطاء شد. قرار شد این بانک فقط اعمالی را انجام دهد که آن اعمال در انحصار بانک شاهنشاهی نباشد و حتی برای احتیاط ابتدا از گذاشتن نام بانک روی این مؤسسه خودداری گردید و آن را به نام انجمن استقراض ایران نامیدند (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۳۳۷). البته بعدها روس‌ها از شاه اجازه گرفتند که نام بانک را بر این مؤسسه

بگذارند و عملاً بعد از یک سال از تأسیس بانک شاهنشاهی، بانک استقراضی روس هم در سال ۱۳۰۷ ق در ایران تأسیس گردید. مدت امتیاز ۷۵ سال بود. کار عمده بانک استقراضی روس، اعطای قرض با شرایط مساعدت و ساده و مدت پرداخت طولانی به افراد با نفوذ ایرانی به ویژه وابسته به روس بود (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۳۴۷). اعطای اعتبارات مالی با اقساط طولانی و نیز نقل و انتقالات پولی مورد نیاز آنان در کوتاه‌ترین مدت بر رونق عرضه کالاهای روسی در بازارهای ایران می‌افزود. طی سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳ ق بانک استقراضی در عمل به یک مؤسسه واسطه‌ای واردات و صادرات کالا و اجناس تبدیل شد. اقلامی مانند چراغ، بلورآلات، فلزآلات، مواد پنبه‌ای، غلات، قماش، نفت، شکر، ظروف چینی و غیره از جمله کالاهایی بود که توسط بانک استقراضی مستقیماً در بازارهای ایران در معرض فروش گذاشته می‌شد (شاهدی، ۱۳۸۱، ص. ۴۴۰).

۴- رویکرد عالمان دین به پیدایش بانک و فعالیت‌های بانکی

رویکرد اول: تحریم کلی بانک به غرض مبارزه با استعمار

غرب‌شناسی علمای شیعه از زمان تعامل دولت ایران با غرب جغرافیایی - که به تبع آن اندیشه غرب برای عنصر ایرانی به مسئله تبدیل شد - سیری تکاملی داشته است؛ یکی از علت‌های اساسی کاستی‌ها و نقص‌های غرب‌شناسی علماء و بلکه همه غرب‌شناسی‌های اولیه این بود که در آن شرایط، خود غرب نیز هنوز در تمام ابعادش ظاهر نشده بود و از آنجا که خود ظهور غرب، ناقص بود، شناخت آن نیز ناقص جلوه می‌کرد. در واقع ناقص بودن غرب‌شناسی‌های اولیه صرفاً امروز مشخص شده است که مدت‌ها از آن زمان گذشته و غرب فرصت لازم یافته است تا خودش را کاملاً نشان دهد. تقریباً چهار قرن پس از ظهور تفکر جدید غرب (از قرن ۱۵ تا ۱۹ میلادی)، پس از این که هم علم و هم تکنیک غرب تا حد زیادی وارد زندگی بشر شد و بشر غربی را گمان آن رفت که با این علم و تکنیک می‌تواند بر تمامی مشکلات و گرفتاری‌های بشر فائق

آید، کم کم نقص‌ها و پیامدهای منفی علم و تکنیک، خود را نشان داد و در خود غرب نیز عده‌ای از دانشمندان به مخاطرات آن هشدار دادند.

به هر حال از آنجا که غرب هنوز ماهیت خود را نشان نداده بود، غرب‌شناسی اولیه علما بسیار با احتیاط و دقیق بوده است. علمای شیعه متوجه بودند کشورهایی که با دنیای غرب دارای تعامل بودند، اغلب پس از مدتی تحت سلطه آنها قرار گرفتند و این تجربه، علمای مذکور را در برابر برنامه‌ها و پیشنهادات غرب به احتیاط وا می‌داشت (ره‌دار، ۱۳۸۵). بنابراین تحریم و سلب کلی تأسیس بانک، راه‌آهن، سد و غیره، به خصوص در ابتدای ورود آنها به ایران، از آن جهت بود که مسیر را برای استعمار هر چه بیشتر بیگانگان هموار می‌نمود. اولین بار ورود بانک خارجی به ایران در قرارداد رویتر مطرح گردید و به امضای ناصرالدین شاه رسید. حاج ملا علی کنی که از نفوذ فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، در سال ۱۲۹۰ ق طی نامه‌ای به ناصرالدین شاه امتیاز رویتر را به کلی محکوم نمود. فقره بیستم این قرارداد تصریح داشت که امتیاز تأسیس بانک در ایران مخصوص کمپانی رویتر خواهد بود (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۱۱۱). علت مخالفت حاج ملا علی کنی در نامه ایشان به ناصرالدین شاه در ممانعت با ورود راه‌آهن نمایان‌تر است و تصویر دقیق‌تری از شرایط زمانی آن برهه را نشان می‌دهد:

کمپانی هند، تمام هند با آن وسعت و مکنت را به خریداری و تملک یک جریب زمین مخصوص سکونت خود برد، کمپانی معاصر ما با تصرف آن همه اراضی متعلقه به راه‌آهن، استحقاق انتفاع جمیع معادن و رودخانه‌ها و اراضی با حق به کار واداشتن جمع کارکنان از رعایا چگونه ایران را نبرد و چرا نبرد ... خب پس از آنکه رعایا به رضا یا به حکم کارکنان ایشان شدند و از دادن منال دیوانی معاف ماندند آیا به خزانه عامره از کجا و کدام مالیات و کدام نسق از زراعات چیزی بیاید اگر خدای نخواستہ کار ما لازم افتد دفع طغیان و تعدی همجوار با اقتداری را از سرحدات خود نماییم اولاً با کدام مال که عرض شدف کذلک با کدام رجال حکم جنگ به کدام فوجی داده شود که موجب و

جیره چند ساله ایشان نرسیده ... اگر از همه مایوس شده در خیال اجماع و بلوا برآمده باشیم کدام عالم محترم مسموع الکلام مانده با هجوم فرنگیان در بلاد ایران از راه آهن، کدام عالمی در ایران خواهد ماند ... (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۱۲۷).

آیت الله میرزا شیرازی زعیم شیعه، در اولین نامه طولانی خودش در سال ۱۳۰۹ق به ناصر الدین شاه علاوه بر تسلط اقتصادی، سلطه فرهنگی و رابطه مودت آمیز مسلمانان با کفار غربی را از جمله ادله مخالفت خود با تأسیس بانک ذکر می‌فرماید:

نظر به توصل اخبار به وقوع وقایعی چند که توانی [کوتاهی] از عرض مفسد آنها خلاف رعایت حقوق دین و دولت است، عرضه می‌دارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تودد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانک و تنباکو و راه آهن و غیره از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و منحل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است (کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۲۴).

میرزای شیرازی از مداخله اجانب یا به تعبیر وی کفار در امور اقتصادی و سیاسی کشور به جهت از دست رفتن استقلال کشور بیم داشت و معتقد بود که این قرارداد و نظائر آن باعث می‌شود تا کفار بر معیشت و تجارت مملکت مسلط شوند و تجار و مردم، کسب خود را از دست دهند و ذلیل اجانب شوند و به تبع آن منکرات شیوع پیدا کند و عقاید دینی خود را نیز از دست دهند (جمال زاده، ۱۳۸۴). ایشان بعد از کوتاهی شاه نسبت به مداخله بیگانگان در نامه دیگری به او می‌نویسد:

مفسد انفاذ این امور به مراتب اعظم از مفسد صرف نظر از آنها است. کدام مفسده با اختلال قوانین ملت و عدم استقلال سلطنت و تفرق کلیه رعیت و یأس آنها از مراجع ملوکانه برابری می‌کند؟ چگونه می‌شود ... کفره را بر وجوه معایش و تجارتات آنها مسلط کرد تا بالاخره اضطرار با آنها مخالطه و مواده کنند و به خوف یا رغبت، نوکری آنها را اختیار نمایند و کم کم بیشتر منکرات شایع و متظاهر شود و رفته‌رفته عقایدشان فاسد و

شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران به کفر قدیم خود برگردند (کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۲۵).

سیدجمال الدین اسدآبادی - از چهره‌های مشهور در عرصه مبارزه با استبداد- از آن جایی که با کشورهای مختلف اسلامی در ارتباط بود و مضرات ورود ساختارهای مدرن را به کشورهای اسلامی می‌دید، در نامه‌ای به میرزای شیرازی با بیان تفصیلاتی از انواع فساد شاه و زیان و ضرری که از طریق واگذاری منابع و اموال مملکت به بیگانگان بر مسلمین وارد شده، از ایشان درخواست کمک می‌کند. در خصوص بانک به ایشان می‌نویسد:

بانک و توچه می‌دانی بانک چیست؟ (البنک و ما ادراک ما البنک)، بانک عبارت از این است که زمام ملت را یکجا به دست دشمنان اسلام داده و مسلمانان را بنده آن‌ها نموده و سلطنت و آقایی کفار را بر آن‌ها بپذیرد. آن وقت این خائن احمق (شاه) برای اینکه ملت را راضی نماید دلیل پوچی برای کردار زشت خود اقامه کرده و می‌گوید این‌ها معاهده کرده و می‌گوید اینها معاهده موقتی است که مدتش از صد سال تجاوز نخواهد کرد خلاصه این مرد تبه‌کار، کشور ایران را این طور به مزایده گذاشته و خانه‌های محمد(ص) و (مملکت) اسلامی را به اجنبی می‌فروشد. ولی از پست فطرتی و فرومایگی که دارد به قیمتی کم و وجه اندک حاضر به فروش می‌شود، توای پیشوای دین، اگر به کمک ملت برنخیزی و آنها را جمع نکنی و کشور را با قدرت خود از چنگ این گناهکار بیرون نیاوری طولی نخواهد کشید که مملکت اسلامی زیر اقتدار بیگانگان در می‌آید (خسروشاهی، ۱۳۷۹، ص. ۱۸۹).

از اتفاقات نادر پیش آمده در رویکرد سلب کلی تأسیس بانک، تخریب عمارت بانک استقراضی به رهبری روحانیون تهران در رمضان ۱۳۲۳ق بود. بعد از اینکه رئیس بانک توانست زمین موقوفه قبرستان را با رضایت یکی از علمای تهران خریداری نماید، در آن

زمین اقدام به تأسیس بانک استقراضی نمود. طی این عمل مخالفت علماء شدت گرفت. ناظم الاسلام کرمانی می‌گوید:

روز شنبه آخر ماه مبارک جناب حاج شیخ محمد واعظ اصفهانی که از معتبرترین اهل منبر و بزرگترین واعظین و ناطقین بود کیفیت خلاف شرع بودن عمارت کردن در گورستان مسلمین و نبش قبور مومنین و نقل ابدان و خرد کردن استخوان و تصرف در اراضی موقوفه و تأسیس اساس بانک استقراضی روسی در این محوطه و ترویج خارجه و تشیید کسب ربا و تضعیف داخله و اعانت به اثم و نصرت کفر به این رسم و اسم بیان نمود. مجملاً دو ساعت به غروب مانده روز شنبه حاج شیخ محمد واعظ در بالای منبر مشغول موعظه بود، نیم ساعت به غروب مانده اثری از عمارت بانک باقی نمانده بود جز زمین مخروبه، متجاوز از دویست نفر بنا و عمله همگی فرار کردند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۴).

مخالفت و تحریم تأسیس بانک، حتی در اوایل پیدایش بانک شاهی و استقراضی روس هم وجود داشت. به گونه‌ای که در زمان تأسیس شعبات مختلف بانک استقراضی به خصوص شعبه قم که با تأخیر بیشتری در تأسیس همراه بود (سال ۱۳۲۸ق)، مخالفت‌های عمومی دیده شد. در میان علمای قم بالاخص فردی به نام آقا سید عبدالله مجتهد در جلوگیری از تأسیس شعبه بانک در آن شهر پیشتاز دیگران بود و با همت او بود که علمای قم اعلانی منتشر کردند و طی آن تأسیس شعبه بانک استقراضی در شهر قم را محکوم نمودند (شاهدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۸).

تحریم به عنوان یک سیاست ضد استعماری حتی تا سال ۱۳۲۹ق هم وجود داشت. بعد از اولتیماتوم دوم روس‌ها به ایران برای تحویل مورگان شوستر، ملاهای معروف شیراز، اسکناس بانک شاهنشاهی را که انحصار به انگلیسی‌ها داشت، حکم به نجاست آن نموده و به بانک رد کردند و در عوض مسکوکات دولتی گرفتند، تقریباً هر روز بیست هزار تومان اسکناس مبادله به پول می‌شد. (شوستر، ۱۹۱۵م، ص. ۲۲۷).

نکته اساسی در سیاست تحریم کلی، آن است که مخالفت عالمان اصیل دینی با این پدیده‌ها در مقطعی صورت می‌گرفت که هنوز هجوم سرسام آور تکنولوژی و تکنیک دنیای غرب به ایران جدی نشده بود. بنابراین عالمان دین می‌توانستند با رهنمودشان، مفاسد بیشتر آن پدیده‌ها را نسبت به منافعشان برای ملت تبیین کنند و به تبع از ورود آن مظاهر مدرن به داخل کشور جلوگیری کنند. از نگاه آنان، ارتباط با بیگانگان و سبک زندگی آنان، بساط دین و تدین را از جامعه مسلمین برمی‌چید.

رویکرد دوم: اخذ و اقتباس آگاهانه بانک

برای درک موضع عالمان دین در هر مقطع تاریخی، شناخت زمانه و بستر تحولات تاریخی نقش برجسته‌ای دارد. مدتی پس از مقاومت علمای دین و تحریم تکنیک مدرن، جریان ورود مدرنیسم به کشور به مرور شدت گرفت. به گونه‌ای که در آن مقطع، آخوند خراسانی تمدن غربی را به سیل عظیمی تشبیه می‌کند که از جانب کشورهای غربی به سمت ممالک اسلامی در جریان است. به همین دلیل علمای اسلام برای جلوگیری کامل از نابودی دین و کشور، خود باید هر چه سریعتر تغییراتی را در نظام حکومتی و کشور ایجاد کنند تا بدین وسیله بر موج آمده از غرب سوار شوند. در کتاب تنبیه الامه از زبان آخوند خراسانی اینطور آمده است: این سیل عظیم بناء تمدن بشری که از بلاد غرب به سمت ممالک اسلامی سرزیر است اگر ما رؤسای اسلام جلوگیری نکنیم و تمدن اسلام را کاملاً به موقع اجرا نگذاریم اساس مسلمانی تدریجاً از آثار آن سیل عظیم محو و نابود خواهد شد (نائینی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۸).

عالمان اصیل دین با بصیرتی تاریخی دریافتند که هجوم سنگین جریان مدرنیته به کشور را می‌بایست مدیریت و رهبری کرد و الا کناره‌گیری کردن از آن، جایی برای اسلام و مسلمین باقی نخواهد گذاشت. در این زمینه اولاً سعی کردند دست اجانب را از اقتصاد کشور قطع کنند تا نظام بانکی به نحو استقلالی در اختیار مملکت قرار بگیرد. لذا توجه به مبارزات استعماری جهت حفظ استقلال کشور شدت گرفت که نقطه عطف آن

مبارزات میرزای شیرازی در تحریم تنباکو بود. ثانیاً تلاش کردند نهادهای غربی را تا جایی که قابلیت انطباق با آیین اسلام دارد، اقتباس کنند و بر اساس آموزه‌های فقهی در ساختار و نظام فرآیندی آن تصرف شود که تلاش آخوند خراسانی و میرزای نائینی در این راستا قابل توجه است و در مسائل اجتماعی و حکومتی، جریان مشروطه مشروعه نقطه عطف آن محسوب می‌شود. به این ترتیب راهبرد علمای دین از سلب کلی فاصله گرفت و بیشتر با مفاسد اقتصادی حاصل از آن مبارزه نمودند تا بتوانند نظام اقتصادی مملکت را در اختیار بگیرند و از سلطه استعمارگران خارج کنند.

تصویر ذهنی (انگاره) علمای شیعه در آن مقطع تاریخی از نظام‌های غربی و وضعیت روزگار خویش چنین بود که احساس می‌کردند پیشرفت‌های شگرفی که در کشورهای غربی در زمینه‌های صنعت و فناوری رخ داده به خاطر حکومت‌های آنان و وجود قانون در آنجاست، لذا به دلیل عقب‌ماندگی و فاصله زیاد ایران با این کشورها، دیر یا زود تغییراتی در نظام حکومتی استبدادی ایران در جهت ایجاد نظم و قانون مطابق کشورهای غربی رخ خواهد داد. آنان معتقد بودند اگر ایرانیان خود اقدام نکنند و درصدد تغییر و تحول در حکومت برای پیشرفت مملکت مطابق با مذهب و آیین خود نباشند، این کار توسط دشمنان بیگانه انجام خواهد شد که در آن صورت غیر از تغییر و تحول، سلطه استعماری و فرهنگی آنها را نیز به دنبال خواهد داشت و این امر مطلوب هیچ احدی از ایرانیان نمی‌باشد. اما اگر ایرانیان خودشان ضرورت تغییر را احساس و به این کار اقدام کنند و با وضع قوانین مناسب مطابق با مذهب خویش دست به عمل زنند پیش از آنکه ملل اروپایی به جبر وارد کشور شوند و ایران را مطابق با فرهنگ و آیین خود تغییر دهند قادر خواهند بود از سلطه استعماری بیگانه رهایی پیدا کنند (جمال زاده، ۱۳۸۴).

این تفکر و دیدگاه تا حدی زیادی فرآیند اقتباس آگاهانه را تسریع نمود و بستر مناسبی برای رویکرد دوم گردید. بنابراین می‌توان گفت در تصور آخوند خراسانی و میرزای نائینی اولاً تمدن غربی با سلاح علم و تکنولوژی و عقل که برای بنای تمدن

بشری به کار گرفته شده چون سیل به سمت کشورهای اسلامی از جمله ایران در حال جاری شدن است. پس این سیل آمده از غرب تحمیلی است و حتماً می‌آید و راه‌گریزی از آن نیست. ثانیاً این سیل آثار تخریبی به همراه دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها از بین رفتن اساس مسلمانی و تمدن اسلام است. ثالثاً این سیل از این رو دامنگیر کشورهای اسلامی شده است که قوانین اسلام را در جوامع خویش به نحو احسن اجرا نکرده‌اند و از این امر غفلت ورزیده‌اند ولی غربی‌ها اساس این قوانین را از اسلام گرفته و به آن‌ها عمل کرده‌اند (نائینی، ۱۳۹۸، ص. ۳۶). از این رو ممالک آنها پیشرفت کرده ولی کشورهای اسلامی از قافله علم عقب مانده‌اند. رابعاً برای جلوگیری از نابودی کامل تمدن و شریعت اسلامی، راه حل این است که علمای اسلامی به فکر چاره افتند و براساس مقتضیات زمان مفاهیمی از نظریات غربی را که با دیانت مسلمانان منافاتی ندارد اخذ کنند و تغییراتی در نظام‌های حکومتی خود ایجاد کنند تا هم از هجوم مطلق تمدن غربی که مضر به حال کشور و آیین شیعه است جلوگیری کنند و هم جنبه‌های مثبت آن را که به صلاح کشور و مذهب است برای رفاه جامعه به کار گیرند. مرحوم آخوند خراسانی در بند چهارم رساله اندرزنامه خود که برای محمد علی شاه جوان می‌فرستد، از او می‌خواهد در نشر توسعه علوم و صنایع به ملل پیشرفت دیگر تاسی جوید و باعث ترقی و توسعه مملکت و بی‌نیازی مردم از بیگانگان شود. او می‌نویسد: در نشر و توسعه و صنایع جدید همت گمارید و بدانید که آنچه باعث ترقی و سعادت سایر ملل شده و آنان را به اوج عظمت رسانیده است، همانا فرا گرفتن علوم و صنایع تازه بود.... متأسفانه عقب‌ماندگی که اکنون [در ایران] مشاهده می‌شود و مملکت را تا بدین حد فقیر و مبتلا ساخته است، نتیجه بی‌توجهی گذشتگان به این امور بود و میل بی‌منطق آن‌ها به کالاهای خارجی، باعث سرایت این مرض مزمن به سایر افراد مملکت شد. و اینک هستی و تجدید حیات و نوسازی ایران به اجرای این امر مهم بستگی دارد (جمال زاده، ۱۳۸۴).

میرزای نائینی می‌نویسد:

چنانچه باز هم مسلمانان [ایران] از این سگرت و غفلت به خود نیابند، و کمافی السابق در ذلت عبودیت فراعنه امت و چپاول چپان مملکت باقی بمانند، چندی نخواهد گذشت که العیاذ باللّٰه تعالی -مانند مسلمین معظم افریقا و اغلب ممالک آسیا و غیرذالک، نعمت شرف و استقلال قومیت و سلطنت اسلامیه را از دست داده و در تحت حکومت نصاری اسیر، و دوره‌ای نخواهد گذشت که مانند اهالی اندلس و غیرها، اسلامیت‌شان به تنصر و مساجدشان کنیسه و اذانشان به ناقوس و شعائر اسلامیه به زنار، بلکه اصل لسانشان هم مانند آنان مبدل و روضه منوره امام هشتمشان هم پایمال نصاری خواهد گشت ... پرداختن همسایگان جنوبی و شمالی به نقشه قسمت مملکت [ایران] فیما بین خودشان -و کثرت مشاهده نظائر و اشباه آن، فلاقل من لزوم التحذر: علی هذا بدیهی است که تحول سلطنت جائزه غاصبه از نحوه ظالمه اولی به نحوه عادلانه ثانیه [مشروطیت] علاوه بر تمام مذکورات موجب حفظ بیضه اسلام و صیانت حوزه مسلمین است از استیلاء کفار، از این جهت از اهم فرائض خواهد بود (نائینی، ۱۳۹۸، صص. ۸۰-۸۱).

با دقت در این عبارات مشاهده می‌کنیم که میرزای نائینی معتقد است اگر ایرانیان به خود نیابند و از خواب غفلت برنخیزند و از رقیت و بندگی پادشاهان مستبد خود را نرهانند همان بلایی بر سر آنها می‌آید که بر این ممالک رفته است یعنی هم استقلال و هم دین خود را از دست خواهند داد. در عبارت فوق حاکمیت انگاره سلطه غرب بر ذهن نائینی به وضوح نمایان است او از اینکه کشور مسلمان شیعی به دست کفار و زنادقه بیفتد و اساس مسلمانی در خطر افتد هراس دارد و ریشه بروز این خطر برای جوامع اسلامی از جمله ایران را در وجود حکومت استبدادی این کشورها و عمل نکردن به اصول اجتماعی اسلام می‌داند. مشخص است که نائینی علت سلطه غربی‌ها بر جوامع مسلمین را عمل کردن آنها به اصول دینی مسلمانان و غفلت مسلمانان از اصول دینی خود می‌داند و به همین دلیل است که در کتاب خود این مسئله را تکرار می‌کند که «هذه بضاعتنا ردت الینا» (نائینی، ۱۳۹۸، ص. ۹۲)

گام اول: مبارزات معطوف به مفسد حاصل از بانک و فاصله گرفتن از تحریم کلی بانک
هرچند عالمان دین در مواجهه اولیه با پدیده بانک به خاطر جلوگیری از استعمار و غلبه فرهنگی کفار بر کشور با ورود نظامات مدرن مخالفت ورزیدند، ولی مقارنت آن دوران با اوج انقلاب دوم صنعتی و همچنین تمجید و تحسین روشنفکران قاجاری از ترقی و توسعه اروپا و حسرت بر عقب ماندگی از آنان، اسباب هجوم سرسام آور تکنیک غربی را به شرق فراهم کرد و جامعه در شرایطی قرار گرفت که شیخ حسن کربلایی از شاگردان میرزای شیرازی، وضعیت فرهنگی آن دوران را اینطور ترسیم می کند:

این شد که از این پس کلمه ملت را که سبب اصلی خرابی کار ایران فهمیده بودند، نفوذ و موقع پیشین از دلها برفت و افکار فرنگستان که ضامن سعادت و نیکبختی ملت و مملکتش می دانستند هر روزه در نظرها رونقی تازه گرفت و به تدریج مقام فرنگیان در ایران خیلی بلند و منتسبات فرنگیان کلیتاً خیلی دلپسند افتاده و بدین تیره، هر کار فرنگی و فرنگی مآبی را در ایران رواج افزوده شد و بازار اسلام و مسلمانی را همی رونق بکاهید، تا آنجا که بزرگان ایران را از سازش و آمیزش با مردم فرنگستان، عظم بسیاری از منکرات اسلامی یک سر از نظر به در رفت؛ سهل است که نوبت، کم کم به معلومات وجدانیه و مسلمات فطریه رسید (کربلایی، ۱۳۸۲، صص. ۴۵-۴۴).

بانک شاهنشاهی را باید مادر امتیازات اقتصادی-تجاری دانست که به مثابه یک نهاد مادر به امتیازهای بی شمار دیگر جان داد (ناطق، ۱۳۷۱، ص ۳۳). آنان هرچند تلاش می کردند ماهیت اصلی خودشان را در پشت عناوینی مثل امورات اجتناب ناپذیر توسعه کشور و فرنگی شدن مملکت، پنهان نگه دارند؛ اما به محض آشکار شدن عوارض ناشی از تأسیس بانکها در اقتصاد ایران، مبارزات علماء بیشتر معطوف به مفسد اقتصادی-اجتماعی حاصل از تأسیس بانک گردید.

به دست گرفتن واردات و صادرات کشور توسط بانکها اثرات منفی خودش را به زودی نشان داد. به عنوان مثال تسهیلات بانک استقراضی به خریداران چای بسیار قابل

توجه بود. قیمت چای که بانک استقراضی در بازارهای ایران عرضه می‌کرد، فقط نصف قیمت آن در بازارهای مصرف خود روسیه بود (شاهدی، ۱۳۸۱، ص. ۴۵۴). در همین راستا واردات قند و چای روسی سریعاً با واکنش علماء روبه‌رو گردید. در سال ۱۳۰۶ ق دو سال قبل از نهضت تنباکو، شیخ فضل‌الله نوری در مورد تحریم قند و چای روسی به میرزای شیرازی نامه می‌نویسد و کسب تکلیف می‌کند. جواب میرزای شیرازی در خصوص عدم جواز استفاده از قند و چای خارجی این است:

در جواب سوال از قند و غیره، آنچه نوشته بودید از ترتب مفسد بر حمل اناس از بلاد کفره به محروسه ایران، صواب، و همیشه ملتفت به آنها و اصناف آن، که مایه خرابی دین و دنیای مسلمین است بوده‌ام و از اقدام شما در تهیه دفع آنها که باید از محض غیرت دین و خیرخواهی مسلمین باشد، زیاده مسرور شدم. والبته به هر وسیله‌ای که ممکن باشد رفع این مفسد باید بشود (آیت‌اللهی، ۱۳۶۳، صص. ۱۷۷-۱۷۴).

سیدعبدالحسین لاری از شاگردان برجسته شیخ انصاری در پاسخ به این سؤال که آیا استعمال مصنوعات، مشروبات، ملبوسات و مطعوماتی که از بلاد کفر وارد می‌شود جایز است؟ طبق روش معمول خود پس از بیان استدلال‌ها و مستندات از قرآن فتوا می‌دهد که امروز آنچه به عنوان پول از بلاد اسلامی به بلاد خارجه می‌رود، کمک به دشمنان دین و کفار است برای ریختن خون مسلمانان. اجتناب از استعمال آنها برای مسلمانان واجب است مگر در صورت اضطرار و عدم وجود اشیاء وطنی اسلامی پس از عدم علم به نجاست آنها اکلاً، شرباً و لبساً فی الصلاة و الطواف. سید عبدالحسین لاری این نوع وابستگی را حرام می‌داند. همچنین از مصرف قند و چای به این علت که دولت‌های محارب در واردات آن نقش داشتند، خودداری می‌کرد (آیت‌اللهی، مصاحبه، ۱۳۹۱).

از جمله امتیازاتی که بالاخص تحت حمایت‌های مالی-اعتباری بانک شاهنشاهی قرار گرفت، امتیاز رژی تنباکو بود که مدت کوتاهی پس از آغاز به کار بانک شاهنشاهی به اتباع انگلیسی واگذار شد. نمایندگی‌های رژی و نیز تجاری که با رژی معامله و داد و

سند داشتند، روابط مالی-اعتباری خود با دستگاه رژی را از طریق بانک شاهنشاهی و شعب آن در شهرستان‌ها تنظیم می‌کردند (شاهدی، ۱۳۸۷، ص. ۳۶۷). این امتیاز با هماهنگی مدیران رژی و بانک شاهنشاهی و نیز دستگاه دیپلماسی وقت انگلیس در تهران صورت پذیرفت. بعد از بروز بحران‌های امتیاز ننگین رژی تنباکو، سیل تقاضا و درخواست‌ها برای استدعای رهنمود، روانه نجف گردید، تا اینکه میرزای شیرازی با فتوای تاریخی‌اش، برجسته‌ترین نقاط مبارزه با استعمار را در دوران قاجار رقم زد: «الیوم استعمال توتون و تنباکو، بایّ نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان عج است.» (کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۳۶) در تهران میرزا محمدحسن مجتهد آشتیانی از شاگردان شیخ انصاری، کاملاً هماهنگ با میرزای شیرازی بود و نهضت را قدرتمندانه رهبری می‌کرد. دولت آبادی که خود از شاگردان آشتیانی بود می‌گوید: «میرزا در ابتدای درس روزانه، مرتب مضرات قرارداد را به طلاب متذکر می‌شد و به افشاگری و روشن فکری می‌پرداخت» (دولت آبادی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸).

مدتی قبل از فتوای میرزای شیرازی در مسئله تنباکو، علمای اصفهان خرید و فروش دخانیات را منع کرده و مردم را به مقاومت منفی فرا خوانده بودند. در نتیجه تجار تنباکوهای خود را آتش زدند (حیدری، ۱۳۸۶). در سند تعهدنامه علمای اصفهان در تحریم معامله با روس‌ها در سال ۱۳۲۹ق آمده است: «نظر به مصالح اسلامی ما به هیچ وجه من الوجوه طرف معامله با بانک روسی نمی‌شویم و عجلتاً قند و چای روسی را به کلی تارک هستیم و شخصاً استعمال نخواهیم کرد. صلاح عموم مسلمانان را همین‌طور می‌دانیم» (نجفی، ۱۳۹۱، ص. ۸۴)

ادامه این مبارزات در سال‌های بعد، در بیانیه تحریم امتعه روسیه در سال ۱۳۲۹ق توسط آخوند خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی منعکس شده است:

استعمال امتعه خارجه در بلاد اسلامیة تا به حال به چه درجه موجب تسلط کفار بر مسلمین داخله شده. حالا به ذهاب بیضه اسلام و زوال اسلامیت و استقلال مملکت هم

العیاذبالله تعالی نوبت رسیده. بقای سالدات روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران، تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن الائمه(ع) خدای نخواستہ مؤدی خواهد بود. ان شاء الله تعالی عموم آقایان علما و امراء و تجار محترم و طبقات غیرتمند اسلام تمام این مفاصد را نصب‌العین خود فرموده، به همان فطرت پاک ایمانی و به شرافت طبع اسلام پرستی از این امتعه خبیثه و فصول عیش که موجب ذهاب دین مبین و استیلاهی کفر بر ممالک اسلامی است، به کلی اغماض، در فوز به فیض این جهاد اقتصادی که به منزله جهاد و شهادت در رکاب امام زمان ارواحنا فداه است، مسارعت و بر همدیگر مسابقت خواهند فرمود (نجفی، ۱۳۹۱، ص. ۸۳).

آیت الله سیدکاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه) نیز از جمله فقهای بود که به آثار اقتصادی و اجتماعی مصرف تولیدات وطنی در آن زمان، بسیار توجه داشتند و با دیدگاهی عمیق و تیزبینانه شرایط اقتصادی ایران را تحلیل می‌کردند. همه این جریان‌ها با احساس خطر از نفوذ بیگانگان و تسلط تدریجی آنان بر امورات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کشور، با استفاده از ظرفیت‌های منابع دینی و تأثیرگذاری احکام صادره از سوی آنان بر تصمیمات مردم، قطع و ممنوعیت خرید و مصرف کالاهای بیگانه به‌ویژه روسی و انگلیسی را از یک سو و ترویج و تبلیغ استفاده و مصرف کالاهای وطنی را از سوی دیگر، مصداق جهاد اقتصادی و هم‌رکابی با امام زمان (عج) دانسته و خود و اطرافیان را ملزم به این سیره نموده و برای متخلفان بعضاً جرایم و تعزیرات شرعی در نظر می‌گرفتند.

این فقیه عالی‌قدر در نامه خود که حاوی نکات برجسته و مهمی است، ضمن بیان دسیسه‌های دول خارجی برای نفوذ در تجارت ایران و منحصر نمودن آن به خود، بیان می‌نماید:

مناسب است مسلمین از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند و به تأییدات ربانیه، از ذل فقر و احتیاج و سؤال و تحمل عملگی کفار و تشتت در بلاد کفر برهند. این احقر که از بدو عمر تاکنون، اغلب اوقات، لباسم از

منسوجات دارالعباده (شهر یزد) بوده و مکرراً به برادران ایمانی توصیه نموده و گفته‌ام که لباسی که از ابتدای زرع ماده آن تا غزل و نسج و رنگ آن با کلمه‌ی طیبه‌ی «لااله الاالله، محمد رسول الله، علی ولی الله» انجام شود و جمعی از مسلمین از آن منتفع شوند کجا و قماش‌های منحوس کم دوام خارجه کجا؟ اکنون که بحمدالله نوع علما و طلاب نجف اشرف، کرباس اسلامی را پوشیده، امیدوارم اخوان مؤمنین، اقتدا و تأسی به رؤسای ملت نمایند. بر حسب غیرت اسلامیت - مهما امکن - اقتصار به همان ملبوسات اسلامی نمایند، بلکه در تمام اثاث البیت خود تا ممکن است، اکتفا به مصنوعات اسلامی نموده و در ملبس و مطعم و مسلک خود، از شباهت به کفار پرهیزند، چنانچه در اخبار شریفه از آن نهی شده... تا کلیتاً ممتاز و در صورت و معنی به هیچ وجه شباهتی به کفار نداشته باشند. ان شاءالله تعالی متدینین تجار هم بعد از این، اجناس خارجه را به بلاد اسلامیه جلب نکنند تا این یک مشت به کشت و کار و صنایع پردازند و تشتت و تفرقه‌ی آن‌ها بدل به اجتماع، به قلیل زمانی نتایج حسنه‌ی آن را مشاهده نمایند (منذر، ۱۳۸۲).

یکی از نمونه‌هایی که می‌تواند اختلاف رویکرد عالمان به موضوع پیدایش بانک را به خوبی نشان دهد، اختلاف نظر سیدجمال الدین اسدآبادی با میرزای شیرازی است. هرچند میرزای شیرازی در دوران ابتدایی ورود بانک به ایران، در نامه‌ای به ناصرالدین شاه نسبت به اصل بانک موضع سلبی گرفته بود، اما در دورانی که نظام بانکی خودش را به جامعه تحمیل کرده و به سرعت در حال نهادینه شدن در نظام اقتصادی بود، محور مبارزات میرزای شیرازی، بیشتر معطوف به مبارزه با مفاسد و آسیب‌های ورود بانک به ایران گردید و از سلب کلی فاصله گرفت. این در حالی بود که نامه سیدجمال به میرزای شیرازی در همان دوران، به نوعی اعتراض بر آن بود که میرزا از اقتضائات دنیای مدرن بی‌خبر است و در سنت گیر کرده است. سید جمال همانند برخی روشنفکران امروزی اعتقاد داشت که اروپا را دیده و با مسائل جدید آشنا گردیده، اما میرزا تصور درستی از آن شرایط ندارد. به همین دلیل نامه‌ای به میرزا می‌زند که شما باید ده برابر کاری که در مسئله تنباکو

انجام دادید، در این مسئله انجام دهید و بانک را از سرزمین مسلمین بیرون کرده و کشورهای اسلامی را پاک نگه دارید (پیغامی، مصاحبه، ۱۳۹۶). هرچند میرزای شیرازی به این نامه جوابی نداد، ولی سیدحسن مدرس از شاگردان میرزا به این نامه عکس العمل نشان می‌دهد:

در نامه سید به میرزا رحمه الله علیه قسمتی است که در مورد بانک است و به نظر نمی‌رسد که سید، بانک را برای مجتهد بزرگ و پیشوای عظیم الشان شیعیان جهان تا این اندازه خام و بی‌محتوا معنی کند ... سیدجمال یا خود اطلاعی از بانک و تعریف آن نداشته و یا خیال می‌نموده پیشوای شیعیان - میرزا حسن شیرازی - آن عالم بزرگ اسلام از کلمه فرنگی بانک تا این اندازه بی‌اطلاع است. سید اگر به جای پیشوای دین، پرتو درخشان انوار ائمه، پایه تخت دیانت، زبان گویای شریعت، رئیس فرقه، پیشوای بزرگ، مردم ایران یا ملت ایران می‌گذاشت، آن وقت نامه اش اعلامیه‌ای می‌شد برای آحاد مردم و هیچ گونه اشکالی نداشت که بنویسد بانک چه می‌دانی بانک چیست؟ (مدرسی، ۱۳۷۳، ص. ۱۸۹) بیان سیدحسن مدرس نشان‌دهنده نارضایتی او از روش سیدجمال است. در حقیقت مدرس به تفاوت سبک مبارزه‌ای سیدجمال و میرزای شیرازی اشاره می‌کند و این تفاوت در مبارزه را به خاطر بی‌اطلاعی میرزا نمی‌داند، بلکه معتقد است میرزای شیرازی با فهمی عمیق دریافته بود که در دورانی که دنیای مدرن چشمگیرانه به دنبال توسعه خود در مشرق زمین است، به جای سلب کلی، می‌بایست در وهله اول با نفوذ استعمار مبارزه کرد تا دست بیگانگان از دخالت در کشور قطع گردد و سپس در مرحله بعد بتوان آن ساختار را در خدمت مسلمین قرار داد.

گام دوم: تلاش برای استقلال و تأسیس نظام بانکی ملی

رویارویی با عوارض و مفسد ناشی از حضور بانک‌های خارجی در ایران به تدریج ایده تأسیس یک بانک مستقل و ملی را در اذهان شکل داد و علماء هم در این راستا نقش ویژه‌ای ایفا نمودند. از مهمترین ابتکارات مجلس اول مشروطه در سال ۱۳۲۴ق تصمیم

به تأسیس و تشکیل بانک ملی بود تا از این طریق از یک سو راه نفوذ اقتصادی هر چه بیشتر خارجیان در ایران کندتر شود و از سوی دیگر با پشتیبانی و تکیه بر عرق ملی تجار و ثروتمندان داخلی، مبلغ مورد درخواست دولت را از منابع داخلی تأمین نمایند. پس از استقرار مشروطیت زمانی که دولت از مجلس شورای ملی اجازه استقراض خارجی خواست، نمایندگان مردم به منظور قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی بانک‌های خارجی و به منظور ترمیم وضع مالی خزانه ضمن مخالفت با استقراض خارجی تأسیس بانک ملی را خواستار شدند، و جمعی از بازرگانان و صرافان متعهد مشارکت در این بانک شدند. یکی از موضوعات مهمی که از همان ابتدا در انجمن ولایتی اصفهان مطرح شد کمک به تأسیس بانک ملی بود. آیت الله محمدتقی آقاجنقی با همراهی بردارش حاج آقا نورالله از تشکیل بانک ملی حمایت کرده و ایشان طی تلگرافی به روحانیون و مراجع تقلید ایران «تشکیل بانک اسلامی را اقدامی خیرخواهانه برای مسلمانان» دانست و از آنان خواست که از تشکیل بانک ملی به منظور قطع نفوذ بیگانگان حمایت کنند. آقا نجفی خود برای عملی کردن این اقدام هزار تومان از سهام بانک ملی خریداری کرد و اولین شعبه بانک ملی در سرای گلشن واقع در میدان نقش جهان تأسیس شد (تشکری بافقی و محمدی، ۱۳۹۸).

امام جمعه تهران نیز ضمن ارسال نامه‌ای به مجلس شورای ملی آمادگی خود را در همراهی و همکاری با تأسیس بانک ملی اعلام کرده و قول داده بود در این راه خود شخصاً پنج هزار تومان به خزانه بانک واریز سازد. برخی نمایندگان مجلس از نمایندگان طبقه علماء تقاضا کردند به دلیل نفوذ روحانیون در مناطق مختلف کشور با ارسال پیام‌ها و تلگراف‌هایی مردم را به مشارکت در امر تأسیس بانک ملی تشویق کنند، گزارش‌ها حاکی از آن بود که طبقه طلاب و روحانیون در راه سرمایه گذاری برای تأسیس بانک در مقایسه با دیگر اقشار پیش قدم‌تر بودند و حتی با اینکه از نظر مالی تعداد زیادی از آنها در مضیقه قرار داشتند ولی به قول حاج محمد اسماعیل نماینده مجلس «امروز بی بضاعت

تراز این سلسله (طلاب) کسی نیست و از تمام مردم زودتر اقدام نموده و کتاب‌ها فروخته و سهام خریده‌اند». (شاهدی، ۱۳۷۸). حتی حاج شیخ فضل‌الله نوری از آن طرح کاملاً حمایت کرد و مبلغ دویست تومان سهام بانک را خریداری نمود (کسروی، ۱۳۶۳، ص. ۱۸۲). همچنین پیشنهادی آمده بود که با اجازه حجج اسلام عتبات عالیات، موقوفاتی که مردم وقف مشاهده مشرفه و غیره کرده اند، یک ساله یا دوساله به بانک واگذار شود. برای بار اول یک عالم اصفهانی در روزنامه تمدن فروش جواهرات دولتی را برای تأمین سرمایه بانک ملی پیشنهاد داد. او بهترین و نیکوترین سرمایه بانک ملی را فروش جواهرات نفیسه دولتی که علی‌التحقیق بالغ بر یکصد و هشتاد کرور تومان بود، می‌دانست (مختاری و بیطرفان، ۱۳۹۳، صص. ۱۳۲-۱۳۱). تلاش برای تأسیس بانک ملی و حمایت عالمان دینی از آن را می‌توان گام دوم برای اخذ و اقتباس نظام بانکی محسوب نمود. البته تلاش مجلس اول برای تأسیس بانک ملی با کارشکنی‌های بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی و همچنین نقش فعال دربار به نتیجه نرسید و شکست خورد. سال‌ها بعد در دوره رضاشاه، مجلس شورای ملی لایحه «قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران» را به تصویب رساند و بانک ملی در ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ ش فعالیت خود را در تهران به کمک یک کارشناس آلمانی آغاز نمود (بافنده ایماندوست، ۱۳۸۹).

گام سوم: تلاش برای انطباق نظام بانکی بر مبانی فقهی

شواهد تاریخی حاکی از آن است که تلاش برای استقلال بانک ملی همراه با دغدغه مطابقت با شریعت بوده است و می‌توان آن مرحله از تاریخ را گام نهایی برای تکمیل رویکرد اخذ و اقتباس نظام بانکی از دنیای غرب برشمرد. در اختیار گرفتن مدیریت نظام بانکی در جامعه مسلمین و متشرعین، اقتضای آن را داشت که بانک بر اساس فقه و شریعت مقدسه منطبق گردد. اولین بار در زمان انقلاب مشروطیت، مقرر شد تصویب قوانین، بر مبنای قوانین عرفی دنیا به روش عدم مغایرت صورت پذیرد. در آن زمان قرار شد پنج نفر از مجتهدین بر قوانین عرفی دنیا که نمایندگان مجلس تصویب می‌کنند،

نظارت نمایند تا مغایر با احکام اسلام نباشد. مشابه این کار در مورد عملیات بانکی توسط علماء آن عصر صورت پذیرفت. به عنوان مثال نمایندگان مجلس اول مشروطه جهت تأسیس بانک ملی، نظامنامه بانک ملی را در ذی‌الحجه سال ۱۳۲۴ق در دوازده فصل تنظیم کردند و شروط دوازده گانه‌ای را به تصویب رساندند. در فصل سوم این نظامنامه آمده است: «بانک ملی می‌تواند معاملات زراعی و رهن املاک را به قانون شرع مطاع نماید و همچنین به خرید و فروش پروات تجارتنی داخله و خارجه و قرض و استقراض را به تراضی طرفین دایر نماید.» (شاهدی، ۱۳۷۸)

این مرحله در حقیقت اولین تلاش‌ها برای حرکت به سوی بانکداری اسلامی محسوب می‌گردد. البته فرآیند اسلامی کردن ساختار نظام بانکی قاعداً متوقف بر شناخت دقیق از عملکرد بانک می‌باشد، اما در کشاکش بحران‌های اقتصادی آن دوران نمی‌توان ادعا نمود که ماهیت نظام بانکی برای عالمان دینی آن دوران به وضوح روشن بوده است. عدم شناخت دقیق مسئله بانک حتی نسبت به روشنفکران آن عصر نیز مشهود است. در کمیسیون تأسیس نظام بانکی که در سال ۱۲۸۹ق در زمان صدارت سپهسالار تشکیل شد، ملک‌خان دو فایده اساسی بانک را در ایجاد مایه و ثروت شخصی و دیگری تشکیل سرمایه تولیدی و تأسیس کمپانی معرفی می‌کند. ملک‌م می‌گوید چون سرمایه میان مردم منقسم و متفرق است، بی‌کار مانده و منفعتی ندارد. در حالیکه هرگاه این خزائن سرشار متفرق را موافق اصول فرنگ به کار بریم منشأ یک عالم منافع خواهد بود (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۳۰۳). این اندیشه که بانک‌ها فقط واسطه گر مالی هستند و پول را از مردم گرفته و در اختیار بخش تولیدی قرار می‌دهند، تفاوت زیادی با ماهیت بانک‌هایی داشت که در آن دوران در ایران تأسیس گردید. در آن دوران تنها تصور موجود از بانک‌ها همین تصور واسطه‌گری مالی بانک‌ها بود. هرچند این تصور حتی در اواخر دهه ۱۹۶۰م نیز رویکرد برتر در اقتصاد بوده است!! (کمپجانی، ابریشمی و روحانی، ۱۳۹۷). دقت در متن امتیازنامه بانک شاهنشاهی نشان می‌دهد که بانک متعهد بوده است در دو سال اول شروع

به کار حداقل نصف قیمت اسکناس‌های منتشر شده خود را و پس از انقضای دو سال حداقل ثلث قیمت آنها را نقداً موجود داشته باشد (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۲۰۶). طبق متن امتیازنامه، اسکناس منتشر شده توسط بانک نباید از هشتصد هزار لیره انگلیسی تجاوز می‌کرد، اما ترازنامه بانک شاهنشاهی نشان می‌دهد، مثلاً در سال ۱۳۳۷ق در دوره احمد شاه قاجار، اسکناس منتشر شده بانک حدود یک میلیون و صد هزار لیره و مقدار برات‌های تنزیلی و وام‌ها حدود سه میلیون و دویست هزار لیره بوده، در حالی که موجوی نقدی نزد بانک حدود دو میلیون و صد هزار لیره بوده است (شاهدی، ۱۳۸۷، ص. ۳۵۲).

این شواهد نشان می‌دهد که بانک‌های تأسیس شده همانند بانک‌های تجاری، خلق پول درونزا داشتند. همچنین پول خلق شده را در اختیار افراد با نفوذ مرتبط با سیاست‌های خود قرار می‌دادند. از آنجایی که در مقام‌های بالای مدیریتی بانک‌های خارجی در ایران، تا سالیانی از ایرانیان استفاده نشد، ماهیت بانک‌های تجاری تا سال‌های زیادی مغفول ماند و به تبع بحث فقهی و شرعی میان علماء دینی پیرامون حق انحصاری خلق پول بانکی شکل نگرفت.

اما آن چیزی که به طور آشکار در قراردادهای بانکی و مبادلات پولی نمود داشت، نرخ بهره بود که در منظر شرع و فقه، ربا تلقی می‌شد. بنابراین مهمترین چالش برای تأسیس بانک ملی در آن دوران، مسئله ربا بود. توسل جستن انجمن‌های مختلف و نمایندگان مجلس به علمای مشروطه خواه نظیر آیات عظام میرزا خلیل و آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی برای صدور فتوای حلالیت تشکیل بانک، زمینه شرعی تأسیس بانک در کشور فراهم گرداند تا مردم با رغبت و آسودگی بیشتری به آن همت ورزند. پاسخ آیات عظام درباره لزوم تشکیل بانک ملی در مجلس شورای ملی قرائت گردید. آخوند خراسانی در پاسخ اینطور فرمودند:

جواز و رجحان امور مزبوره بر نهج مذکور و به حفظ از ربا محرم و مراقبت در حفظ عقاید و اعمال، محل شک و شبهه نیست. بلکه نظر به توقف حفظ بیضه اسلام و سد ابواب مداخله اجانب بر آن، از اهم تکالیف لازمه در نوع مسلمین است (شاهدی، ۱۳۷۸).

آیت الله مازندرانی هم اینطور جواب دادند:

اهتمام مسلمین و عموم اخوان مومنین در قیام به امور مرقومه در رورقه که موجب تقویت ملت و دولت و دوام شعائر اسلام است به نحوی که ترتیب مفسده و ارتکاب محرمات شرعیه در مقدمات و نتایج نشود از اهم امور راجحه بلکه به ملاحظه جهاتی واجب و لازم است (شاهدی، ۱۳۷۸).

در دوران مشروطه و سالیان متمادی بعد از آن، حکمرانی اقتصادی کاملاً تحت تأثیر نهادهای اقتصادی غرب قرار گرفت، به گونه‌ای که به تعبیر شهیدصدر، نام بردن از بانکداری بدون ربا، مانند شنیدن «دایره مربع»، شگفت‌انگیز بود. بدون شک شهیدصدر از اولین علمایی بود که با مطرح کردن مدل بانکداری اسلامی، روح جدیدی در کالبد تحقق اقتصاد اسلامی دمید. ایشان در آن برهه از زمان، دو رویکرد بنیادین به بانکداری اسلامی را اینطور معرفی می‌کند. اول رویکرد کسی که بانک بدون ربا را تحت برنامه‌ریزی جامع برای جامعه اسلامی طراحی می‌کند؛ یعنی بعد از آنکه زمام رهبری یک پارچه تمامی نهادهای جامعه اسلامی را به دست گرفت، بخواهد دکترین اسلامی‌اش را نسبت به بانک به عنوان جزئی از دکترین کامل اسلامی برای تمامی جامعه مطرح کند. دوم، رویکرد کسی که قصد دارد بانک اسلامی را به صورت مستقل از سایر جوانب جامعه طراحی کند؛ یعنی با فرض استمرار وضعیت فاسد موجود و چارچوب اجتماعی غیراسلامی جامعه و بقای نهادهای ربوی مانند بانک و غیره و رواج روح و مضمون نظام سرمایه‌داری در زندگی اقتصادی، فکری و اخلاقی مردم. ایشان معتقد است این دو رویکرد اختلاف اساسی با هم دارند. زیرا در سطح رویکرد دوم، عادتاً در فرآیند برپایی الگوی اسلامی بانک، صرفاً به حل تناقض این بانک با احکام شریعت اسلامی و قانون مدنی فقه اسلامی

اكتفا می‌شود. از این‌رو تلاش می‌شود که در راه دستیابی به ساختاری از نظام بانکداری که بر اساس قرض ربوی نباشد، شکلی ارائه شود که با زندگی و حرکت در ضمن چارچوب غیراسلامی جامعه و زمینه‌های عقایدی آن تناسب داشته باشد و قادر باشد پس از برپایی بانک اسلامی پایه‌های بانک‌های دیگر که فعالیت‌های ربوی دارند، به حرکت خود ادامه دهد. اما در سطح رویکرد اول، چون منظور، تأسیس بانکی اسلامی در جامعه‌ای اسلامی است - نه بانکی اسلامی در جامعه غیر اسلامی - در این صورت تنها رهایی از تناقض اول کافی نیست، بلکه بایستی تناقض بانک با مبانی اقتصاد اسلامی و روح عمومی آن در توزیع و به کارگیری ثروت نیز حل شود تا از این رهگذر بانک حقیقی اسلامی حاصل شود و چنین بانکی بخش اصلی در طرح کامل اقتصاد جامعه اسلامی را شکل دهد و صرفاً وصله‌پینه کردن بانک سرمایه‌داری نباشد (صدر، ۱۳۹۸، صص. ۲۳۹-۲۴۱).

رویکرد سوم: جایگزینی مدل‌های اقتصادی اسلامی به جای نظام بانک‌های تجاری

پس از تغییرات و اصلاحات اولیه، دغدغه‌های اصیل‌تری نسبت به مسئله بانک و اقتصاد اسلامی شکل گرفت. در این مرحله جدید، عالمان دین به دنبال آن برآمدند تا راه برون رفت از وضعیت موجود زمانه را بر اساس دستورات اجتماعی دینی ترسیم نمایند. شواهد تاریخی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از علماء بر اساس نگاه عمیق دینی و همچنین دغدغه تحقق احکام اسلامی در سطح کلان اجتماعی، فقط به اخذ و اقتباس و تصرف در تکنیک‌های مدرن بسنده نکرده‌اند، بلکه به دنبال ترسیم نظام اقتصادی-اجتماعی مطلوب اسلامی بوده‌اند. نظامی که بتوان آن را تا مرحله مدل‌سازی مطلوب اجتماعی محقق کرد. از جمله این علماء، آیت الله سیدحسن مدرس بود که فقط به دنبال تطبیق مقتضیات عصر با مبانی فقهی نبود، بلکه دغدغه تحقق اقتصاد اسلامی داشت. سیدحسن مدرس معتقد بود:

هیچ کدام از علمای بزرگ ما، به فکر این نیفتاده که به اقتصاد اسلامی سر و صورتی دهند و قوانینی، حتی به صورت اجتهاد برای آن درست کنند. در صورتی که در علم

کلام، ما هزاران جلد کتاب داریم که چنین است و چنان نیست. همه راویان حدیث را با همه خانواده شان می‌شناسیم و می‌دانیم: عمه فلان راوی، متعلقه خاله‌زاده فلان راوی دیگر بود. ولی از یک آیه، یا حدیث، درباره مسئله مالیه و به اصطلاح اقتصاد، تفسیری مطمئن و قانونی صحیح نداریم (جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص. ۱۲۰).

مدرس نحوه شکل‌گیری این دغدغه‌هایش را اینطور تبیین می‌کند:

به حال خود توجه کردم که میل باطنی من توجه به گذشته اقوام و ملل است. شاید اگر در آن سن غرورانگیز جوانی با نهضت تنباکو مواجه نمی‌شدم، این میل در درونم دیرتر بیدار می‌شد و بسیاری از موقعیت‌ها را از دست می‌دادم. همان روزها به فکرم رسید که جایی درست کنیم و پول‌هایی جمع کنیم و با شرایطی آسان به زمین کاران بدهیم که چشمشان برای قرض گرفتن به دست شرکت‌ها و کمپانی‌ها نباشد و این قرض هم صورت قرض‌الحسنه را داشته باشد. همان کاری که را که بعدها با مجتهد حاج آقا نورالله حفظ الله تعالی پس از بازگشت از نجف انجام دادیم و اصولاً بنایی شد که بانک ملی از آن به درآمد (مدرسی، ۱۳۷۳).

هرچند مدرس به جهت روشن نبودن ماهیت بانک‌های عصر خویش، نظریه‌اش را در امتداد تأسیس بانک ملی می‌بیند، اما حقیقت آن است که طرح پیشنهادی او که سرمایه‌های خرد را مجتمعاً به صورت قرض‌الحسنه جهت تأمین مالی در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهد، ماهیتاً با طرح خلق پول انحصاری بانک‌های تجاری مغایر می‌باشد.

آیت الله محمدتقی آقاجانی اصفهانی و برادرش حاج آقا نورالله از علمای تراز اول اصفهان و دارای پایگاه اجتماعی بسیار بانفوذی بودند. حاج آقا نورالله به عنوان یک مجتهد و زعیم دینی، اصول و برنامه اصلاحی و جهادی خویش را از دین حنیف اتخاذ می‌کرده و مانند سایر سیاسیون غیرمذهبی برای تبیین برنامه خویش از آرای متفکرین مغرب زمین استفاده نموده بلکه با درک شرایط ایران عصر قاجار و آلام ملت ایران، آراء و اندیشه‌های خود را در زمینه مشروطیت و استقلال سیاسی و اقتصادی از دیانت اخذ نموده، لذا مبانی

اندیشه او از فقه و دیانت برخاسته و لاجرم مورد تأیید علمای دین نیز قرار می‌گرفته است. موریس پرنو مستشرق فرانسوی در دیداری که با حاج آقا نورالله اصفهانی داشته، او را چنین توصیف می‌کند:

او غرب را می‌شناخت، بی‌آنکه آن را به دیده ستایش بنگرد. مقصود من از ملاقات او این بود که نحوه طرز فکر یک روح آزاده و کنجکاو در قبال عقاید و آداب مذهبی شرق اطلاع یابم. حاج آقا نورالله گفت: ... جوانان امروز ما خیلی مذهبی نیستند و همچنین خیلی روح فلسفی ندارند. از طرف دیگر عقاید و افکار اروپایی هم چیزی که مناسب حال آن‌ها باشد به آن‌ها یاد نمی‌دهد، نه مذهب استدلالی اگوست کنت و نه ایده‌آلیسم آلمان و نه مکانیسم انگلوساکسن‌ها، تشنگی روح ارانی را سیراب نمی‌کند (نجفی، ۱۳۷۸، صص. ۱۹-۲۱)

این مطلب شاهی بر آن است که شناخت علماء از غرب به مرور کامل‌تر شده و از سطح برخورد با صنایع و تکنولوژی فراتر رفته و تا لایه‌های آشنایی با مبانی فلسفی و تفکر اندیشه غرب که بن‌مایه دنیای تکنیکی عصر است، ارتقاء یافته است.

یکی از ایده‌ها برای مدل‌سازی اقتصاد اسلامی در راستای خودکفایی ملی، طرح تأسیس «شرکت اسلامی» بود. پس از قیام پیروز تنباکو و بروز فواید بیشمار آن، آیت الله آقا نجفی اصفهانی و برادرش حاج آقا نورالله اصفهانی به این فکر می‌افتند که علاوه بر نفی کالاها و منسوجات خارجی، می‌توان امکانات داخلی را جهت تولید بسیج نموده و با ابتکار ایرانی به تولید منسوجات پرداخت و ملت را برای حمایت از آن تشویق کرده، ابعاد تحریم کالاها را بیگانه را تحقق بخشید. به ویژه که در آن دوران اساس تجارت، دلالتی تجار از اجناس فرنگی بوده و به قول حاج آقا نورالله، بازرگانان عمال خارجی شده و فرّ و جلال فریبنده مغرب زمین از طریق کالاها در ایران جلوه‌گری می‌کرده است. از اینرو در حد فاصل بین قیام تنباکو و نهضت مشروطه و در سال ۱۳۱۶ق شرکت اسلامی توسط آیت الله آقا نجفی اصفهانی و برادرش حاج آقا نورالله اصفهانی در اصفهان تأسیس

گردید. آثار تأسیس این شرکت به گونه‌ای بود که روزنامه‌ها و نمایندگان انگلیس، رشد آن را سکت به منافع انگلیس در کلیه منطقه خلیج فارس اعلام کردند (نجفی، ۱۳۷۸، ص. ۳۱). اساس کار این شرکت به این گونه بود که همه افراد به اندازه خرید سهام شرکت، مقداری پول را در اختیار شرکت قرار می‌دادند تا آن پول در تولید و تجارت کالاهای داخلی سرمایه گذاری شود و سود حاصل از آن مشارکت کار و سرمایه، به طور عادلانه بین سهامداران توزیع گردد. مشارکت واقعی کار و سرمایه در این نوع شرکت وجود داشت و سرمایه مردمی کاملاً در اختیار کار تولید و تجارت قرار می‌گرفت و به نوعی تأمین مالی تولیدکنندگان اقتصادی را فراهم می‌آورد. در این مدل امکان مشارکت عموم مردم در تولید اقتصادی وجود دارد و بدون نیاز به در اختیار دادن حق انحصاری خلق پول برای عده‌ای خاص، رشد اقتصادی را در کنار تحقق عدالت اجتماعی فراهم می‌گرداند. در نظامنامه شرکت اسلامی که در ۴۳ فصل تنظیم شده، آمده است که:

فصل یازدهم: سرمایه و تنخواه شرکت اسلامی یک کرور که پانصد هزار تومان فرمان مظفرالدین شاهی است. فصل دوازدهم: به جهت سهولت و فواید عامه که همه کس بتواند شرکت کند ولو به یک سهم باشد، مذکور پنجاه هزار که هر سهمی ده تومان باشد، تعیین گشت و چنانچه لازم شود، بعد هم تنخواه را مزید نموده، اعلان شرکاء و غیره خواهد شد... فصل بیست و یکم: این شرکت به کلی از داد و ستد متاع خارجه ممنوع است. فقط هم خود را صرف ترقی متاع داخله و آوردن چرخ و اسباب و کارخانجات مفیده خواهد نمود. و حمل متاع داخله به خارجه بر حسب اقتضاء و به موقع خود در کشیدن راه شوسه و آهن اقدام خواهد کرد. (نجفی، ۱۳۷۸، صص. ۳۷-۳۲).

بسیاری از علماء طراز اول همچون آیات عظام سید یزدی (صاحب عروه)، میرزا خلیل، شریعتمدار و ملا عبدالله مازندرانی از منسوجات شرکت اسلامی حمایت کردند. آخوند خراسانی در نامه‌ای به شاه می‌نویسد:

چه بسیار شایسته است که اعلی حضرت بذل مرحم ملوکانه در مشیت این شرکت اسلامیة که خشنودی حضرت امام عصر ارواح العالمین له الفداء و ترویج ملت بیضا و تقویت دولت عظمی و اسباب آسایش عموم عباد و ترقیات عامه و قاطبین بلاد محروسه ایران است، خواهند فرمود. (نجفی، ۱۳۷۸، ص. ۴۵)

از دیگر علمای تحول خواه در این مسئله، آیت الله محمدعلی شاه‌آبادی از شاگردان میرزای شیرازی و استاد امام خمینی (ره) بود. ایشان با آسیب‌شناسی دقیق از اوضاع اقتصادی عصر خود معتقد بودند علت اصلی مشکلات اقتصادی، حاکمیت نظام های اقتصادی غربی و شرقی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی است. ایشان الگوی اقتصادی جامعه را مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی آموزه های اسلامی و متمایز از الگوهای اقتصادی غربی و شرقی، استخراج و طراحی کردند. به این صورت که درون الگوی اقتصادی خود زیر نظر حاکمیت اسلامی و ولی فقیه، یک مدل اجرایی را پیشنهاد می‌دهد که نهادهای مالی، پولی و سرمایه‌ای خاص و متمایزی نسبت به نهادهای اقتصادی متعارف زمان خود دارد. نهادهای اقتصادی مدرن مثل بانک‌ها اساسش بر فردگرایی است و موجب تمرکز ثروت و درآمد در طبقه خاصی از جامعه می‌شود و به تبع افزایش شکاف ثروت و درآمدی را نهادینه می‌کند. به این معنا که فاصله بین فقیر و ثروتمند دائماً بیشتر می‌شود. آیت الله شاه‌آبادی معتقد بود آنچه اسلام برای جامعه و عموم مردم می‌خواهد توزیع عادلانه ثروت و درآمد است. این امر با توسعه مالکیت برای عموم جامعه بر اساس موازین و آموزه‌های اسلامی به صورت تعاونی ممکن است.

آیت الله شاه‌آبادی راه رفع مشکل های اقتصادی و نیز دستیابی به هدف های بزرگ حکومت اسلامی را تأسیس «شرکت مخمس» می‌دانست. این شرکت به این صورت تشکیل می‌شود که همه مردم باورمند و مرتبط با حاکمیت اسلامی، یک قسمتی از دارایی خود را در چارچوب موازین اسلامی به این شرکت می‌سپارند. شرکت مخمس با دارایی مردم فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد. در هر دوره بعد از فعالیت و کسب منافع مادی،

هزینه های انجام شده را کسر کرده و منافع آن به پنج بخش تقسیم می شود. یک پنجم آن براساس قرار و قانون معینی به قرض الحسنه اختصاص می یابد، یک پنجم آن به عنوان واجب الاهی برای کمک و تبلیغ دین مقدس اسلام اختصاص داده می شود و سه پنجم باقیمانده، مال صاحب سرمایه است. وی حق دارد آن را دریافت یا از آن صرف نظر کند و جزو سرمایه و اندوخته شرکت قرار دهد (یوسفی، ۱۳۹۴)

ایشان معتقد بود نرخ بهره و ربا در نظام اقتصادی سرمایه داری به عنوان نخ تسبیح در رفتارها و روابط اقتصادی عمل می کند. در حالی که آن نخ تسبیح در نظام اقتصادی اسلام، اخوت است. بنابراین بعد از تأسیس شرکت مخمس، مؤسسه قرض الحسنه هم تشکیل دادند و تأکیدشان بر این مسأله بود که باید با ربا در جامعه اسلامی مبارزه شود و در عین حال، فرهنگ قرض الحسنه ترویج شود. نصرالله شاه آبادی فرزند آیت الله شاه آبادی می گوید:

مرحوم پدر معتقد بود که ما اگر بخواهیم با ربا مبارزه کنیم، باید مراکزی در مقابل آن راه اندازی و تقویت کنیم تا جایگزین شود و آرام آرام ربا از جامعه ریشه کن شود. او عقیده داشت که صرف مبارزه منفی با ربا اثر سوء دارد و نتیجه نخواهد داد. می فرمود: مبارزه منفی و مثبت همیشه باید با هم صورت بگیرد. یعنی باید از ربا دادن نهی کرد و از طرف دیگر اگر کسی می خواهد قرض بی ربا بگیرد، جایی برای این کار باشد (قربی، ۱۳۹۸). در واقع می توان آیت الله شاه آبادی را یکی از پایه گذاران صندوق های قرض الحسنه در ایران نام برد.

یافته های پژوهش را می توان در جدول شماره ۱ و جدول شماره ۲ به طور خلاصه مرور نمود.

جدول ۱: انواع رویکرد عالمان دین در برابر پیدایش و توسعه بانک در ایران در دوره قاجار

| شماره | بستر زمانی | نوع رویکرد | غرض رویکرد |
|------------|------------------------------------|-----------------|--|
| رویکرد اول | ارتباط محدود و کم عمق با مظاهر غرب | تحریم و سلب کلی | مبارزه با استعمار و جلوگیری از تسلط فرهنگی |

| | | | |
|--|--|--|-------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ❖ مبارزه با مفاسد اقتصادی حاصل از بانک‌های خارجی ❖ تلاش برای استقلال نظام بانکی ❖ تلاش برای حذف ربای بانکی | <p>اخذ و اقتباس آگاهانه</p> | <p>هجوم سرسام‌آور ساختارهای سیاسی-اقتصادی به داخل کشور</p> | <p>رویکرد دوم</p> |
| <p>ترسیم نظام اقتصادی-اجتماعی مطلوب اسلامی</p> | <p>جایگزینی مدل‌های اقتصادی اسلامی</p> | <p>بعد از جریان استقلال نسبی نظام بانکی</p> | <p>رویکرد سوم</p> |

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

بررسی‌های تاریخی در دوره قاجار نشان می‌دهد که عالمان دین در ابتدای ورود مدرنیته به ایران خصوصاً مسئله بانک با احتیاط کامل و با دقت نظر از ورود آن به کشور جلوگیری می‌کردند. زیرا مفاسد آن را بیشتر از منافعش می‌دانستند. این مخالفت‌ها و مقابله‌ها در دوره‌ای به وقوع می‌پیوست که اولین تماس‌ها با دنیای جدید در حال شکل‌گیری بود و هنوز عمقی نیافته بود. اما بعد از هجوم سرسام‌آور ساختارهای سیاسی و اقتصادی جدید به داخل کشور، عالمان دینی همچون میرزای شیرازی با درک تاریخی از موقعیت دریافتند که می‌بایست مدیریت اصلی این جریان را به عهده بگیرند و از کناره‌گیری و سلب کلی فاصله بگیرند. در اولین گام به مخالفت و مبارزه با مفاسد اقتصادی-اجتماعی ناشی از استعمار جدید پرداختند و با اخذ و اقتباس نظام بانکی سعی کردند اولاً به تأسیس بانک مستقل ملی اقدام کنند و ثانیاً ساختار آن را از بهره و ربای محرم بزدايند به گونه‌ای که حداقل با قوانین فقهی مغایر نباشد. امتداد این رویکرد را می‌توان امروزه در جریاناتی

مشاهده نمود که سعی دارند نظام موجود بانکی مبتنی بر فرآیند خلق پول را مدیریت کند و متناسب با اهداف اقتصادی اسلامی، تحولاتی در آن ایجاد نماید.

بعد از جریان استقلال نسبی در نظام بانکی، خودآگاهی تاریخی در مقابل مکتب‌های اقتصادی شرق و غرب شکل گرفت. تفکری که به دنبال نظام سازی اجتماعی-اقتصادی برآمده از آموزه‌های دینی بود. آیات عظام سیدحسین مدرس و آقاجفی و بردارش حاج آقا نورالله از اولین افرادی بودند که در این راه گام برداشتند و با طرح تأسیس شرکت اسلامی بنایی را شکل دادند که ماهیتاً با ساختار بانک‌های تجاری دوران خودشان که بر اساس خلق پول انحصاری فعالیت می‌کرد، متفاوت بود. در طرح شرکت اسلامی نقدینگی جمع شده از جامعه مستقیماً در اختیار بخش واقعی اقتصاد قرار می‌گرفت و سود حاصل از فعالیت واقعی تولیدی بین همه سهامداران توزیع می‌گشت. کاری که بعدها آیت الله شاه‌آبادی با تأسیس شرکت مخمس آن را ادامه داد. طرحی که به جای اصل رفتار رقابتی و در اختیار قرار دادن ثروت به افراد خاص، این امکان را فراهم می‌آورد که آحاد جامعه بر اساس تعاون جمعی بتوانند در فعالیت اقتصادی تولیدی مشارکت کنند. تمرکز زدایی از انباشت ثروت عده‌ای خاص به همراه رشد اقتصادی و تقویت تولید ملی بر اساس مشارکت توده‌های مردم از ویژگی‌های خاص طرح ایشان بود. تجربه‌هایی که امروز نیز می‌توان با بازتولید آن متناسب با شرایط معاصر، رهیافتی جدید را از بانکداری اسلامی به ارمغان آورد.

کتابنامه:

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱). اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- آیت اللهی، سیدمحمد تقی (۱۳۶۳). ولایت فقیه زیربنای مشروطه مشروعه، تهران: امیرکبیر.
- آیت اللهی، سید محمد تقی (۱۳۹۱). مصاحبه در سایت:

<https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=22066>

- اصفهان‌ئی کربلایی (کربلایی)، سید حسن (۱۳۸۲). تاریخ دخانیه. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بافنده ایمان دوست، صادق (۱۳۸۹). از بحران‌های مالی دوره قاجار تا شکل‌گیری نظام بانکی ایران، پژوهش‌نامه تاریخ، دوره ۵، شماره ۱۸، صص. ۸۳-۹۶.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۶). اقتصاد اسلامی مسئله‌محور؛ از میرزای شیرازی تا مهدوی کنی، مصاحبه در فصلنامه علوم انسانی صدر، شماره ۲۴، صص. ۸۱-۹۰.
- تشکرری بافقی، علی اکبر و محمدی، زهرا (۱۳۹۸). بررسی کارنامه سیاسی و اقتصادی آقاجفی، نشریه تاریخ‌نامه خوارزمی، شماره ۲۵، صص. ۳۹-۶۶.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲). عصر بی‌خبری، تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۸۴). علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب، نشریه دانش سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱، صص. ۴۳-۶۶.
- جمعی از نویسندگان مجله حوزه (۱۳۸۹). نوسازی و تحول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حاج سیاح (محلّاتی)، محمد علی (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف الله گلکار، ویرایش سوم، تهران: امیرکبیر.
- حسینی، سیدرحمن (۱۳۹۰). درآمدی تحلیلی بر پول، پیدایش بانک‌ها و تأثیر آن بر اقتصاد و تجارت در عصر قاجار (با تکیه بر فعالیت‌های بانکداری روس و انگلیس در ایران)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص. ۷۸-۵۱.
- حیدری، اصغر (۱۳۸۶). روحانیت و نهضت تحریم تنباکو، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۴۲، صص. ۷۷-۱۱۶.
- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۷۹). نامه‌ها و اسناد سیاسی-تاریخی سیدجمال‌الدین حسینی اسدآبادی، تهران، کلبه شروق.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲). حیات یحیی، ویرایش چهارم، جلد ۱، تهران: انتشارات عطار.
- ره‌دار، احمد (۱۳۸۵). غرب‌شناسی علمای شیعه، ماهنامه زمانه، سال پنجم، ۱۳۸۵، شماره ۴۵ و ۴۶، صص. ۴۱-۴۹.

- روحانی، سید علی؛ کمیجانی، اکبر و ابریشمی، حمید (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول -بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها، جستارهای اقتصادی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲۹، صص. ۳۰-۱.
- شاهدی، مظفر (۱۳۷۸)، مجلس اول مشروطه، بحران‌های مالی و طرح تأسیس بانک ملی، تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۰، صص. ۱۳۳-۱۷۰.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۱). تاریخ بانک استقراضی روس در ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۷). تاریخ بانک شاهنشاهی ایران: گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- شریف زاده، محمدجواد (۱۳۹۲). جایگاه تاریخ اقتصادی-اجتماعی در روش‌شناسی تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۰، صص. ۶۵-۹۲.
- شوستر، مورگان (۱۹۱۵م). اختناق ایرن، کلکته: حبل المتین.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۸). اسلام راهبر زندگی مکتب اسلام رسالت ما، قم: دارالصدر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: شرکت سهامی عام.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۸)، بررسی سیره نظری و عملی آیت الله محمدعلی شاه‌آبادی در اصلاح اقتصادی و اجتماعی، مطالعات تاریخی، دوره ۱۷، شماره ۶۶، صص. ۳۵-۳۹.
- کرزن، جرج (۱۳۴۹) ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌جا.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۹۶). تاریخ بیداری ایرانیان، ویرایش یازدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ مشروطه ایران، ویرایش سیزدهم، جلد ۱، تهران: چاپخانه سپهر.
- مختاری، محمد تقی و بیطرفان، محمد (۱۳۹۳)، طرح تأسیس بانک ملی در نخستین دوره مجلس شورای ملی؛ ضرورت‌ها و موانع (۱۳۲۴-۱۳۲۶ق)، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۶، شماره ۱، صص. ۱۲۳-۱۴۲.
- مدرسی، علی (۱۳۷۳)، مدرس، مجلس و تاریخ: مدرس و واقعه دخانیه، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۷، صص. ۱۸۱-۱۹۶.

-منذر (ابوالحسنی)، علی (۱۳۸۲). تصویر یک اصلاح طلب، سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه) پرچمدار عرصه جهاد و اجتهاد، نشریه زمانه، سال دوم، شماره ۱۵، صص. ۱۱-۱۷.

-میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۶)، آموزه‌های مکتب تاریخی برای تحلیل اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۶. صص ۴۳-۷۶.

-نائینی، محمدحسین (۱۳۹۸). تنبیه الامه و تنزیه المله، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بوستان کتاب.

-نجفی، موسی (۱۳۷۸). اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

-نجفی، موسی (۱۳۹۱)، اندیشه تحریم و خودباوری: تحلیل متون و اسناد تاریخی اقتصاد مقاومتی در تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخی معاصر ایران.

-ناطق، هما (۱۳۷۱). بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهنشاهی و رژی تنباکو، پاریس: انتشارات خاوران.

-یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۴). تحلیل الگوی اقتصادی آیت الله شاه‌آبادی، اقتصاد اسلامی، شماره ۵۷، صص. ۸۷ و ۸۷-۱۱۲.

- Adami, Fereydoun (1972). *The Thought of Progress and the Rule of Law (Sepahsalar Era)*, Tehran: Kharazmi Publishing Company. (In Persian)

-Ayatollah, Seyed Mohammad Taqi (1984). *Velayat-e-Faqih the basis of a legitimate constitution*, Tehran: Amirkabir publication. (In Persian)

-Ayatollah, Seyed Mohammad Taqi (2012). Interview on the site: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=22066>. (In Persian)

Isfahani Karbalaie (Karbalaie), Seyed Hassan (2003). *Date of smoking*, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center Publication. (In Persian)

-Bafandeh Iman Doost, Sadegh (2010). From Qajar era financial crises to formation of Iranian banking system, *Scientific Journal of History Research*, Vol. 5, No. 18, pp. 83-96. (In Persian)

-Peyghami, Adel (2017). Problem-oriented Islamic economics; From Mirza Shirazi to Mahdavi Kani, *Interview with Sadra Humanities Quarterly*, No. 24, p. 81-90. (In Persian)

-Tashkari Bafghi, Ali Akbar; Mohammadi, Zahra (2019). A study of Aghanjafi's political and economic record, *Kharazmi History Journal*, No. 25, p. 39-66. (In Persian)

- Teymouri, Ibrahim (1953). Age of Unawareness, Tehran: Haj Mohammad Hossein Eghbal and Partners Company. (In Persian)
- Jamalzadeh, Nasser (2005). Shiite scholars in the constitutional era and the idea of Western domination, Journal of Political Science, Spring and Summer 2005, No. 1, p. 43-66. (In Persian)
- A group of authors of Hozeh Magazine (2010). Renovation and Transformation, Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Haj Sayyah (Mahallati), Mirza Mohammad Ali (1980). Memoirs of Haj Sayyah, by Hamid Sayyah, edited by Saifullah Golkar, 3th ed, Tehran: Amirkabir publication. (In Persian)
- Hassani, Seyed Rahman (2011). Analytical income on money, the emergence of banks and its impact on the economy and trade in the Qajar era (based on Russian and British banking activities in Iran), Quarterly Journal of Foreign Relations, Vol. 12, No. 48, pp. 78-51. (In Persian)
- Heidari, Asghar (2007). Clergy and the Tobacco Prohibition Movement, Quarterly Journal of Contemporary Iranian History, No. 42, pp. 77-116. (In Persian)
- Khosroshahi, Seyed Hadi (2000). Letters and political-historical documents of Seyed Jamaluddin Hosseini Asadabadi, Tehran, Kolbeh of Shorouk publication. (In Persian)
- Dolat Abadi, Yahya (1983). Hayat Yahya, Fourth Edition, Vol. 1, Tehran: Attar Publications. (In Persian)
- Rahdar, Ahmad (2006), Western Studies of Shiite Scholars, Zamaneh Monthly, No. 45 and 46, pp. 41-49. (In Persian)
- Rouhani, Seyed Ali, Komijani, Akbar and Abrishami, Hamid (2018). The nature of the bank and the process of creating bank money; Critique of common views and implications, Iranian Economic Research, Vol. 15, No. 29, pp.1-30. (In Persian)
- Shahedi, Mozaffar (1999), The First Mashroteh Assembly, Financial Crises and the Plan to Establish the National Bank, Quarterly Journal of Contemporary Iranian History, No. 10, pp. 133-170. (In Persian)
- Shahedi, Muzaffar (2002). History of the Russian Borrowing Bank in Iran, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Center. (In Persian)
- Shahedi, Muzaffar (2008). History of the Imperial Bank of Iran: Corners of Iran-UK Political and Economic Relations, Tehran: Monetary and Banking Research Institute. (In Persian)
- Sharifzadeh, Mohammad Javad (2013). On the Role of the Socio-Economic History in the Methodology of the Islamic-Iranian Progress Model, Islamic Economics Studies, Vol. 5, No. 10, pp 65-92. (In Persian)
- Schuster, Morgan (1915). Oppression of Iran, Calcutta: Habl Al-Matin publication. (In Persian)

- Sadr, Mohammad Baqir (2019). Islam is the guide of life, school of Islam, our mission, Qom: Dar Al-Sadr. (In Persian)
- Isavi, Charles (1983), Economic History of Iran, translated by Yaghoub Azhand, Tehran: Sahami Company. (In Persian)
- Qorbi, Seyed Mohammad Javad (2019), A Study of the Theoretical and Practical Life of Ayatollah Mohammad Ali Shahabadi in Economic and Social Reform, Quarterly Journal of Historical Studies, Vol. 17, No. 66, pp. 26-45. (In Persian)
- Kermani, Nazim al-Islam (2017). History of the Iranian Awakening, 11th ed. Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Kasravi, Ahmad (1984). Mashrofeh History of Iran, 13th Edition, Volume 1, Tehran: Sepehr publication. (In Persian)
- Mokhtari, Mohammad Taghi and Bitarfan, Mohammad (2014), The plan to establish the National Bank in the first term of the National Assembly; Necessities and Barriers (1326-1324 AH), Research in Historical Sciences, Vol. 6, No. 1, pp. 123-142. (In Persian)
- Modarresi, Ali (1994), Modarres, Majlis and Tarikh: Modarres and Dakhanieh incident, Majles and Strategy Quarterly, No. 7, pp. 181-196. (In Persian)
- Monzer (Abul Hassani), Ali (2003). Image of a reformist, Seyyed Mohammad Kazem Tabatabai Yazdi (Sahib Arwa), the flag bearer of jihad and ijthad, Zamaneh Magazine, second year, number 15, pp. 11-17. (In Persian)
- Mirjalili, Seyyed Hossein (2007). Teachings of Historical School for the Analysis of Iran's Economy, Economic Research, Vol. 7, No. 26, pp. 43-76. (In Persian)
- Naini, Mohammad Hussein (2019). Tanbih al-Ummah and Tanzih al-Mellah, Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office, Book Park. (In Persian)
- Najafi, Musa (1999). Political Thought and History of Haj Agha Noorullah Esfahani Movement, Tehran: Institute of Contemporary Iranian History Studies. (In Persian)
- Najafi, Musa (2012), The Thought of Sanctions and Self-Confidence: Analysis of Historical Texts and Documents of Resistance Economics in the History of Iranian Political Developments, Tehran: Institute of Contemporary Iranian Historical Studies. (In Persian)
- Nategh, Homa (1991). Merchants in business with the Imperial Bank and the Tobacco Regiment, Paris: Khavaran Publications. (In Persian)
- Yousefi, Ahmad Ali (2015). Analysis of Ayatollah Shahabadi Economic Model, Islamic Economics Journal, No. 57, p. 87 and pp.87-112 (In Persian)